



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إنه خيرنا صر و معين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و علي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبوالآباء

قال الله العلي العظيم في كتابه العلي الحكيم: ادعوا ربكم تضرعاً وحفيه

# روع استغاثة

نامه به حضرت مولا صاحب الأمر علیه السلام  
انواع رقمه استغاثة باشرح اعمال وآداب قبل و حين نوشتن و هنگام ارسال  
آداب و اعمال کامل رقمه جامعه

برکات رقمه استغاثه به ناحيه مقدسه

تحقيق و تدوين: عبد الله علوی فاطمی

نشر: پژوهشگاه علوم معرفت الهی - بنیاد حیات اعلی

باشراف علمی: دار المعارف الإلهیة

# نمايه مطالب كتاب رقעה استغاثه

۵	اشاره به شرایط و آداب نوشتن و ارسال رقעה استغاثه به ناحیه مقدسه
۷	أنواع رقעה استغاثه با بيان اعمال و آداب قبل و حين نوشتن و ارسال
۸	نسخه اول از رقעה هاي استغاثه
۸	نسخه دوم از رقעה هاي استغاثه
۹	نسخه سوم از رقעה هاي استغاثه
۱۰	نسخه چهارم از رقעה هاي استغاثه
۱۱	نسخه پنجم از رقעה هاي استغاثه
۱۲	نسخه ششم از رقעה هاي استغاثه
۱۴	نسخه هفتم از رقעה هاي استغاثه
۱۷	نسخه هشتم از رقעה هاي استغاثه
۱۹	نسخه نهم از رقעה هاي استغاثه
۲۲	نسخه دهم از رقעה هاي استغاثه
۲۴	نسخه يازدهم از رقעה هاي استغاثه
۲۷	نسخهدوازدهم از رقעה هاي استغاثه
۳۱	نسخه سیزدهم از رقעה هاي استغاثه
۳۸	نسخه چهاردهم از رقעה هاي استغاثه
۴۶	وكلاه و سفراء و نمایندگان ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر علیہ السلام
۴۹	آداب کامله برای نوشتن و ارسال رقעה استغاثه
۶۲	رقעה جامعه

# ارسال رقعه استغاثه به ناحيه مقدسه

**سؤال:** نظر مبارک را در موارد زیر لطف فرمایید: بهترین رقعه جهت عرض حاجت به ناحیه مقدسه چیست؟ عرض حاجت در ضمن آن چگونه است؟ آیا هنگام نوشتن یا پیش و بعد از آن مراعات شرایطی لازم است؟ چگونه به ناحیه مقدسه ارسال گردد؟

**جواب:** توجّه الى الله تعالى بالعلّة والذّخيرة، للشدائد والأمور العظيمة، بمحمد وعليٍّ وألهما الطيبين الظاهرين صلوات الله عليهم أجمعين،

عمده در انگيزه: شدت اضطرار و بیچارگی رقعه نویس در ابتلاء، و معرفت او به اینکه؛ مخاطب رقعه تنها ملجاً و ملاذ اوست، و در احادیث شریفه و مجتمع آن از حضرات علیهم السلام نمونه هایی برای مضمون آن رقعه وارد شده است؛ و از جمله پانزده نمونه در کتاب بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۲۳ و ج ۹۹ ص ۱۳۳ الى ص ۵۴ ذکر شده است، و اکتفاء به هر یک مجزی بوده، ولی از میان آنها؛ آنکه مشتمل بر استغاثه به خداوند و عرض حاجت با توجّه خطاب صريح به حضرت صاحب الأمر والعصر والزمان (عجل الله تعالى فرجه الشرييف) است؛ مقدم می باشد، و جمع بین مضامين آنها با تأليف آن اشمل خواهد بود، هر چند که مهم آنست که رقعه بر مفاد آن نمونه ها مشتمل باشد، نه عین فقرات آنها، و محتوای رقعه: توجّه خطاب به ملجاً حقيقي، با اظهار معرفت تمام و تمام به مولی (منه السلام)، در ضمن اعتراف به مذلت و عبوديت خود، همراه با اشاره به شدت حال و اضطرار، یا بيان تفصيلي مورد حاجت و ابتلاء (البته نه با نحو اطناب) می باشد.

واز آداب مذکوره در اين خصوص اين موارد می باشد:

نوشتن رقعه در وقت اضطرار و با یقین به اجابت، و تقدیم برخی اعمال چون روزه و نماز و ادعیه و اذکار، و طهارت بدن و لباس، و غسل قبل عمل و وضو در طول اعمال، و نوشتن در کاغذ سفید، و اینکه اگر مضمون مشتمل بر اسماء مبارکه حضرات معصومین علیهم السلام بود آن اسماء را همه در یک سطر بنویسد، و معطر مودن رقعه، وقت در نوشتن و ارسال رقعه؛ با حال توجه و توسل و تضرع و توبه باشد، و در توبه هم بر ترک یکی از مساوی مبتلا به خود؛ عقد و عزم جدی نماید، و عمل قبل ارسال، و در هنگام ارسال رو به قبله باشد، و در ضمن ارسال استعانت و استمداد به یکی از وکلاء و نوّاب و عمال ناحیه مقدسه (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بنماید، مثل ذکر اسماء معروفین از گذشتگان، یا اجمال و اشاره به معاصرین و حاضرین ایشان نماید. و طریق عام برای ارسال آن: گذاردن در مشاهد مقدسه (ضرایح منوره)، و یا انداختن در آب باشد، چه در دریا یا نهر آب تمیز یا چاه آب پاک یا قنات آب یا گودال بزرگ آب (غدیر)، و در صورتی که از طریق انداختن در آب؛ ارسال رقعه می نماید قبلش آنرا در گل پاک گذارد، و هنگام انداختن رو به قبله و پنهانی انجام گیرد، والا در صورت عدم دسترسی به آب؛ آن را (برای ارسال) در زمین پاک دفن نماید و پنهان کند، و نیز دعای بعد از ارسال، الى غير ذلك مما ورد في الأحاديث الشريفة.

شرح مبسوط شرایط و آداب و اعمال لازمه و مستحبه برای نوشتن و ارسال رقعه را؛ همراه با انواع متون رقعه ها، و نسخه رقعه کامله، و آثار و برکات مراسله با ناحیه مقدسه را در رساله مستقلی آورده ایم. {شماره ثبت: (۱۸۱) منبع: المسائل القمية}

# رقعه‌های استغاثه

## أنواع رقعة استغاثة با شرح اعمال وآداب قبل وحين نوشتن وہنگام ارسال

﴿ متنون متعددی از مختصر تا مفصل در منابع حدیث و کلام خازنان و حی علیهم السلام وارد شده، و آداب و اعمالی که بر حسب شرایط مختلف توصیه شده است، از این رو هرچه توفیق انجام مقدار بیشتری نصیب گردد؛ مایه سعادت؛ و امید اجابت بیشتر است. ﴾

﴿ برخی از دستور العملها ممکن است بخشی از دستور کامل بوده؛ و یا برخی توسل آن خطاب به یکی از حضرات معصومین علیهم السلام ذکر شده؛ و یا در برخی نخوه ارسال خاصی معین شده؛ اما هیچیک از اینها سبب محدودیت آن دستورها به موارد مذکوره نشده، و همه آنها در سایر موارد و به اخاء دیگر نیز قابل استفاده است. ﴾

﴿ ما در این رساله؛ مجموعه آداب را در آغاز جوابیه اشاره نمودیم، و متنون را بترتیب مختصر تا مفصل نقل می کنیم، تا اینکه شخص متول برحسب شرایط و فرصت یا توفیق خود؛ بتواند آداب و اعمال و متنون را هرچه کاملتر بجای آورده و نیز در نوشتن متن رقעה انتخاب کرده؛ یا بین برخی جمع نماید، یا اینکه از متن جامع و متعدد رقעה ها (که در آخر رقעה ها می آوریم) استفاده کند. ﴾

## (۱) نسخه اول

❖ قاضی تنوخی (با یک واسطه) از صاحب واقعه "ابن کشمرد" نقل کرده که حضرت مولا علی علیه السلام به او فرموده اند که در رقعه ای بنویسد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمُوْلَى الْجَلِيلِ، مَسْنِيَ الْضَّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاهِمِينَ، فِي حَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ أَكْشَفُ هُمَّيْ، وَالْحُنُوفَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاهِمِينَ﴾ و آنرا در آب جاري بیاندازد، و از برکت آن؛ وي که شخصی مؤمن و مظلوم و محبوس و محکوم به اعدام بوده؛ فورا نجات می بابد.

## (۲) نسخه دو مر

❖ علامه مجلسی از شیخ کفعی سلمان بن علی علیه السلام: بر کاغذی بنویسد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ، إِلَى الْمُوْلَى الْجَلِيلِ، رَبِّ إِنِي مَسْنِيَ الْضَّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاهِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَكْشَفُ هُمَّيْ، وَفِرْجُ عَنِي غَمِيْ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمُ الرَّاهِمِينَ﴾ و آنرا در آب جاري بیاندازد.

---

(۱) الفرج بعد الشدة، القاضي التنوخي، ج ۱، الصفحة ۱۸۷ / حدثني محمد بن على بن إسحاق قال: خرجت مع أبي، وهو يكتب لحمد بن القاسم الكرخي، المكتن بأبي جعفر، لما تقلد الموصل والديارات، وكان قد ضم إلى أبي جعفر جماعة من قواد السلطان، فلما صرنا بنصبين، كان أبي قد مضى (وأنا معه) إلى أبي العباس أحمد بن كشمرد، فسمعت منه.

(۲) البلد الأمين ص ۲۲۷ / بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۲۳۶ ح ۳.

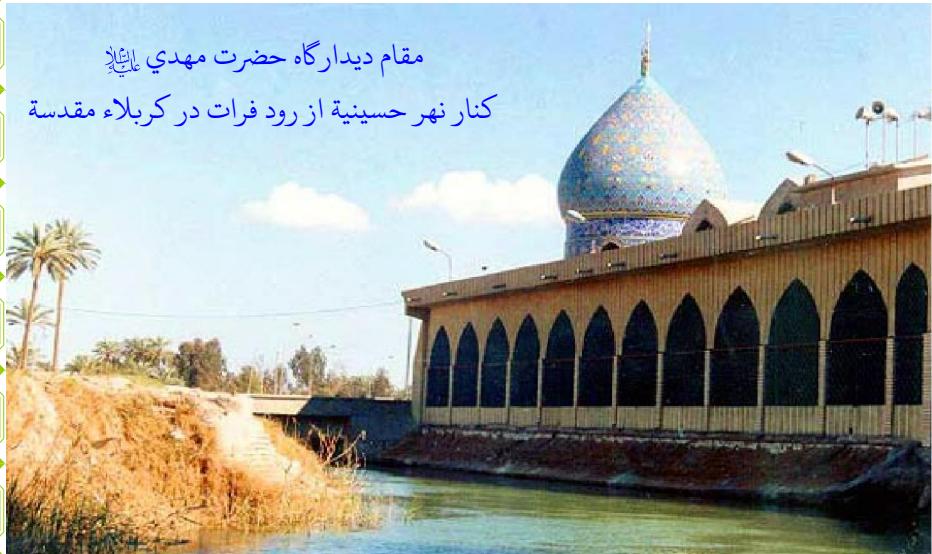
## (۳) نسخه سوم

❖ علامه مجلسی از شیخ کفعی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ مَا أَوْكَدَ: حضرت امام صادق عَلَيْهِ الْبَشَارَةُ الْمُبَارَكَةُ فرموده اند:  
اگر نیازی داشتی به خداوند تعالی؛ یا از چیزی نگران شدی؛ پس در کاغذ  
سپیدی بنویس:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوَجِّهُ إِلَيْكَ، بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ  
إِلَيْكَ، وَأَعْظَمُهَا لِدِيكَ، وَأَتَقْرُبُ وَأَتُوَسِّلُ إِلَيْكَ، بِمَنْ أَوجَبَتْ حَقَّهُ  
عَلَيْكَ، بِمُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحَسِينِ (وَالْأَئمَّةِ = نَامَ  
ایشان بین) وَعَلَيْهِ وَمُحَمَّدَ وَجَعْفَرَ وَمُوسَى وَعَلَيْهِ وَمُحَمَّدَ وَعَلَيْهِ وَالْحَسَنِ  
وَمُحَمَّدَ الْمَهْدِيِّ، الْأَكْفَنِيِّ (کذا و کذا = حاجت خود را بنویسد)﴾

سپس رقه را پیچیده و در گلوله گلی گذارد، و در آب جاری یا چاهی بیاندازد،  
پس همانا خداوند (گره) از (کار) توبگشاید.<sup>۳</sup>

مقام دیدارگاه حضرت مهدی عَلَيْهِ الْبَشَارَةُ الْمُبَارَكَةُ  
کنار نهر حسینیه از رود فرات در کربلاه مقدسه



## (٤) نسخه چهارم

❖ محدث نوري از شیخ ابن الطبیب رحمه اللہ علیہ: در رقعه اي بنویسد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ الْحُسَينِ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، الْتَّبَّأْنُ الْعَظِيمُ، الصَّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، وَعِصْمَةُ الْلَّاجِينَ، بِإِمْلَكَ سَيِّدَ نِسَاءِ الْعَالَمَيْنَ، وَبِآبَائِكَ الظَّاهِرَيْنَ، وَبِإِمَّهاتِكَ الظَّاهِرَاتِ، بِإِيسَائِنَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَالْجَبَرُوتِ الْعَظِيمِ، وَحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ، وَنُورِ النُّورِ، وَكِتَابِ مَسْطُورٍ، أَنْ تَكُونَ سَفِيرِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي الْحَاجَةِ لِـ فُلَانٍ (نام حاجت خواه را بنویسد)، أَوْ هَلَاكٌ (فُلَانٍ بْنِ فُلَانٍ = نام دشمن دین؛ یا حاکم ظالمی؛ که می خواهد از شر او نجات یابد را بنویسد). آنگاه رقعه را در میان گل پاکی گذارد، و رو به قبله آنرا در آب جاري یا چاهی بیاندازد، و در آنوقت بگوید:

﴿يَا عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ، أَوْصِلْ قِصَّتِي هَذِهِ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ الْكَفَافُ﴾.

يافارس المحاز ادرکنى یا ابا صالح المهدى ادرکنى

(٤) نجم الثاقب ج ٢ ص ٨٢ / انيس العابدين، ابن الطيب / كتاب السعادات.

## (۵) نسخه پنجم

❖ علامه مجلسی از شیخ کفعی: حضرت امام صادق علیه السلام فرموده اند: هر که روزیش بر او کاسته؛ یا میعتیش تنگ گردیده؛ یا حاجت مهمی از دنیا و آخرت داشت؛ پس که باید در رقعه ای سپید بنویسد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، مِنَ الْعَبْدِ النَّذِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ، سَلَامٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسِينِ وَالْحَسِينِ وَعَلَيْهِ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلَيْهِ وَمُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَالْحَسِينِ وَالْقَائِمِ؛ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا؛ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ)، رَبِّ مَسْنَى الْضَّرِّ وَالْخُوفِ، فَاكْشِفْ ضَرِّيْ وَآمِنْ خَوْفِيْ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْئِلُكَ بِكُلِّ نَبِيٍّ وَوَصِيٍّ وَصَدِيقٍ وَشَهِيدٍ، أَنْ تَصْلِيْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اشْفَعُوا لِيْ يَا سَادَاتِيْ (ساداتی)، بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، فَإِنْ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ لَشَانًا مِنَ الشَّأْنِ، فَقَدْ مَسْنَى الْضَّرِّ يَا سَادَاتِيْ، وَاللَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فَافْعُلْ بِيْ يَا رَبِّ كَذَا وَكَذَا = حاجتهاي خود را بخواهد﴾

وپس از آن اسماء حضرات معصومین علیهم السلام را در یک سطر نوشته باشد، و آن رقعه را نزد طلوع خورشید در آب جاری اندازد.<sup>۰</sup>

---

(۵) البلد الأمين ص ۲۲۷ / المصباح للکفعی ص ۵۲۰ / بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۲۳۶ ح ۳.

## (٦) نسخه ششم

❖ علامه مجلسی از شیخ کفعی علیه السلام : روایت شده است که یکی از دوستان حضرت امام هادی علیه السلام در زندان متول ملعون اسیر بود؛ و متول آشکارا او را به عقوبت سخت تهدید می کرد، اهل ثروت و مکنت با تحفه ها قصد تقرب و رفع مشاکلشان نزد متول بودند، اما وی مایل نداشت، حضرت امام علیه السلام (در پیامی) او را امر فرمود تا وی در هنگام شب؛ در سه رقعه بنویسد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَى اللَّهِ الْمُلْكِ الدِّيَانِ الرَّوْفُ الْمَنَانِ﴾  
الأحد الصمد، من عبده الذليل البائس المستكين (فلان بن فلان =  
نام خود و پدرش را بنویسد)، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَ مِنْكَ السَّلَامُ، وَ إِلَيْكَ  
يعود السَّلَامُ، تباركت و تعاليت يا ذا الجلال و الإكرام، و صلوات  
الله على محمد و آله و برکاته و دائم سلامه، أما بعد، فإن من  
يحضرنا (× بحضرتنا) من أهل الأموال و الجاه؛ قد استعدوا من  
أموالهم، و تقدموا بسعة جاههم في مصالحهم و لم شئونهم، و تأخر  
المستضعفون المقلون من تنجز حاجتهم لأبواب الملوك و مطالبهم،  
فيما من بيده نواصي العباد أجمعين، و يا معزا بولايته للمؤمنين، و  
مذل العتاوة الجبارين، أنت ثقتي و رجائی، و إليك مهري و ملجأی،  
و عليك توکی، و بك اعتصامي و عیاذی، فالن يا رب صعبه، و  
سخر لي قلبه، و رد عني نافره، و اکفني بائقه (× ما تعیه)، فإن

مقادير الأمور بيده، وأنت الفعال لما تشاء، لك الحمد، وإليك  
يصعد الحمد، لا إله إلا أنت، سبحانك وبحمدك، تمحو ما تشاء و  
تثبت، وعندك أم الكتاب، وصلى الله على محمد وآلـه الطيبين، و  
السلام عليهم ورحمة الله وبركاته<sup>﴾</sup>

وآنرا در سه مکان از زندانش (دفن) مخفی کند، چیزی نگذشت؛ مگر تا پهن  
شدن آفتاب همانروز؛ که خداوند به منت و کرم خود برای او گشایش رساند و  
اورا از زندان متوكـل لعین برهاند.<sup>۶</sup>



(۶) البلد الأمين ص ۱۵۷ / بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۲۳۶ ح ۱۱.

## (۷) نسخه هفتم

❖ علامه مجلسی از سید بن طاووس رحمه‌الله: درباره کسی که اسیر قرامطه شده (در سالی که خروج کرده و مسلمانان را کشتار می کردند); و از شخص محترم و مقرب رئیسان تقاضای وساطت برای آزادی کرده بود؛ اما علیرغم مرتبت و وساطت او؛ فرمان قتل او را بوقت طلوع خورشید داده و برآن نیز سوگند خورده بود، و شخص واسطه به اسیر توصیه کرد که با همه این احوال امید را از دست مده و به خداوند اعتماد داشته باش و توجه نما بخداوند بوسیله حضرات محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی و ائمه هداة علیهم السلام، آن اسیر با همه سختی احوال و نامیدی از حیات (و خود را در آستانه مرگ دیدن) غسل کرده و لباس کفی خود را پوشیده و رو به قبله نموده و مشغول نماز و مناجات با خداوند و تضرع و اعتراف به گناهان و توبه از یک به یک آنها و نیز توجه به خداوند تعالی بمحمد و علی و فاطمة والحسن والحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی والحسن و حجۃ اللہ روی زمین علیهم السلام کرده، و نیز بطور خاص استغاثه به حضرت مولا امیر المؤمنین علیهم السلام نموده و می گفت: «یا امیر المؤمنین اتووجه بک إلى الله تعالى ربي و ربک فيما دھمنی و أظلنی» و مانند این کلمات، تا اینکه نیمه شب شد وقت نماز و دعاء رسید و او همچنان مشغول استغاثه بخداوند و توسل به امیر المؤمنین علیهم السلام بوده است، تا اینکه چشمان او را خواب گرفته و در خواب حضرت مولا امیر المؤمنین علیهم السلام را می بیند که به او می فرمایند: تورا چه شده که بر این حال می بینمت؟ عرض می کند: ای مولا ی من؛ آیا سزاوار نیست کسی که صبح این شب کشته می شود؛ در حال غربت از خانواده و فرزندان و

بدون امکان وصیت (به کسی که متکفل آن باشد) تا اینکه چنین اضطراب و جزعی داشته باشد؟ حضرت ﷺ فرمود: کفاایت و دفاع الهی را؛ بین خود و آنکه تورا تهدید کرده؛ قرار ده، و این را بنویس:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنَ الْعَبْدِ النَّذِيلِ {فَلَانَ (نَامَ خُودَ) بْنَ فَلَانَ (نَامَ  
پَدَنَ)} إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَسَلَامٌ عَلَى آلِ  
يَاسِينَ؛ مُحَمَّدٌ وَعَلَيْهِ وَفَاطِمَةٍ وَالْحَسَنِ وَالْحَسِينِ وَعَلَيْهِ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَ  
مُوسَى وَعَلَيْهِ وَمُحَمَّدٌ وَعَلَيْهِ وَالْحَسَنِ وَحَجَّتَكَ يَا رَبَّ عَلَى خَلْقَكَ، اللَّهُمَّ  
إِنِّي لِسَلَمٌ، وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ اللَّهُ إِلَهِي وَإِلَهُ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، لَا إِلَهَ  
غَيْرُكَ، وَأَتُوَجِّهُ إِلَيْكَ، بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي إِذَا دُعِيْتَ بِهَا أَجْبَتْ، وَإِذَا  
سُئِّلْتَ بِهَا أَعْطَيْتَ، لَمَّا صَلَّيْتُ عَلَيْهِمْ، وَهُونَتْ عَلَيْهِ خَرْوَجِيٌّ، وَكُنْتُ لِي  
قَبْلَ ذَلِكَ عِيَادَةً وَغَيْاثَةً وَمُجِيرًا مِنْ أَرَادَ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَوْ يَطْغِي﴾.

آنگاه سوره یاسین را بخوان، و بعد آن به آنچه خواهی؛ دعا کن، خداوند از تو آنرا شنیده، و اجابت فرموده، و نگرانی و گرفتاری تورا برطرف کند، سپس حضرت ﷺ فرمود: رقه را در پاره ای از گل گذارده، و آنرا در دریا بیاندار، پس گفتم: ای مولا ی من؛ دریا از من دور است و من زندانی؛ و من نوع از انجمام کاری که می خواهم؟ پس فرمود: آنرا در چاه و آنچه نزدیک توست از منابع آب بیاندار. پس بیدار شدم و آنچه مولا علی ﷺ فرموده بود را عمل نمودم، و من همچنان نگران بودم بخاطر شرایط سختم و ضعف یقینم، وقتی صبح شد و آفتاب طلوع کرد، مرا خواندند و من شک نداشتم که برای اجرای فرمان کشتن

من است، پس وقتی بر فرمانده قرامطه وارد شدم دیدم که در میان مقربان او صندلی خالی است و مرا گفت که برآن بنشینم و من آنرا نیک تلقی کردم، سپس رو به من کرد و گفت ما تصمیم داشتیم درباره تو آنچه را به تو ابلاغ کردیم (کشتن) اجرا کنیم، اما پس از آن نظر ما تغییر کرد و تصمیم گرفتیم که تورا آزاد کنیم و تو مخیری تا اینکه همنشین ما باشی و به تو احسان کنیم یا اینکه نزد خانواده ات برگردی، گفتم در اقامت نزد شما منفعت است اما در بازگشت به خانواده و مادر پیری که دارم ثواب و اجر بزرگ است، گفت: اختیار با توست، پس من از نزد او بیرون آمدم، پس مجدداً مرا خواند و به نزد برگرداندند، از من پرسید: چه نسبتی با علی بن ابی طالب علیہ السلام داری؟ گفتم من از منتبین (ذریه) او نیستم؛ اما از موالیان او هستم، پس گفت: به ولایت او تمسک بورز؛ چه اینکه او ما را به آزادی تو فرمان داد؛ و برای ما امکان مخالفت با فرمان او نیست، پس تجهیز سفر کردم، و کسی را همراه من نمود؛ تا مرا با احترام به وطنم برساند، و خدا را برای این (گشایش) شاکرم.<sup>۷</sup>

علامه مجلسی به نقل از شیخ صهرشتی علیہ السلام: وقتی شیعیان بغداد به دیدار او آمده و واقعه او را شنیدند؛ کلام او را تایید کرده، و گفتند این دستور العمل سالیان درازی است که مورد عمل موالیان و شیعیان بوده و در کتب علماء پیشینیان (از جمله شیخ طوسی رحمۃ اللہ علیہ) از حضرات معصومین علیہما السلام روایت شده است.<sup>۸</sup>

(۷) مصباح الزائر ص ۴۱۳ / بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۲۳۲ ح ۰.

(۸) قبس المصباح صهرشتی / بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۲۸ ح ۰۲۱.

## (٨) نسخه هشتم

❖ علامه مجلسی از شیخ کفعی عليهم السلام: از حضرت مولا امیر المؤمنین عليه السلام نقل شده که فرموده اند: در رقمه ای بنویسد:

﴿سورة حمد + آیت الكرسي + آیت العرش<sup>۹</sup> + بسم الله الرحمن الرحيم  
من العبد الذليل {فلان (نام خود) بن فلان (نام پدر)} إلى المولى الجليل  
الذي لا إله إلا هو الحي القيوم، وسلام على آل ياسين؛ محمد و علي و  
فاطمة و الحسن و الحسين و علي و محمد و جعفر و موسى و علي و  
محمد و علي و الحسن و محمد بن الحسن حاجتك يا رب على خلقك، يا  
رب العالمين، اللَّهُمَّ إِنِّي لِمُسْلِمٍ، وَ إِنِّي (x أسئلك بأنني) أَشْهُدُ أَنَّكَ أَنْتَ  
الله إِلَهِي وَ إِلَهُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، أَتُوَجِّهُ إِلَيْكَ بِحَقِّ هَذِهِ  
الْأَسْمَاءِ الَّتِي إِذَا دُعِيْتُ بِهَا أَجْبَتُ (x استجبت)، وَ إِذَا سُئِلْتُ بِهَا  
أَعْطِيْتُ، لَا صَلِيْتُ عَلَيْهِمْ، وَ هُونَتْ عَلَيْهِ خَرْوَجِي، وَ كُنْتُ لِي قَبْلَ ذَلِكَ  
عِيَادًا وَ غِيَاثًا وَ مَجِيرًا، مَنْ أَرَادَ أَنْ يَفْرُطْ عَلَيَّ أَوْ أَنْ يَطْغِي (x أو يطغى).  
(سپس حاجت خود را بخواهد).﴾

---

(۹) آیت العرش: آیات ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ از سوره اعراف و معروف به آیات تسخیر: إِنَّ رَبَّكُمُ  
الله الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سَتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْشِيُ الْلَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ  
حَثِيشًا وَالشَّمْسَ وَالقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرًا بِأَنْفُرِهِ ۖ أَلَا لَهُ الْخُلُقُ وَالْأَمْرُ ۖ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ  
الْعَالَمِينَ (۵۴) اذْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۖ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِلِينَ (۵۵) وَلَا تُفْسِدُوا فِي  
الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمْعًا ۖ إِنَّ رَحْمَتَ اللهِ فَرِيْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶).

پس از نوشتن اینها در کاغذی؛ و آنرا در گلوله ای از گل پاک و تمیز گذارد و بر آن سوره یاسین بخواند، و آنرا در نهر آب یا چاه یا چشمه عمیقی بیاندازد.<sup>۱۰</sup>

﴿ این دستور العمل به واقعه ابن کشمیر مربوط است، که نقلهای معددي داشته و در هر یک از روایات و نسخه ها بخشی از برنامه و دستورالعمل اصلی بیان شده است، و هر چند هر یک از نقلهای مستقلاب قابل عمل بوده، اما مؤمن زیرک با ملاحظه نقلها و نسخه ها؛ روش هرچه کاملتر را بدست آورده و عمل می کند. ﴾



مقام دیدارگاه صاحب الزمان علیہ السلام – وادی السلام – نجف اشرف

---

(۱۰) المصباح الكفعمي ص ۴۰۵ / بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۲۳۲ ح ۲.

## (۹) نسخه نمر

❖ علامه مجلسی از شیخ کفعی؛ و نیز از شیخ صهرشتی از شیخ طوسی علیهم السلام :

نسخه رقעה به حضرت امام عصر علیهم السلام : اگر تورا حاجتی به خداوند عزوجل باشد، پس بنویس رقעה ای را بر برکت الهی؛ و آنرا بر قبری از قبور ائمه علیهم السلام بگذار (اگر خواهی)، یا اینکه آنرا پیچده و مهر کرده؛ و خمیره گل پاکیزه ای بسرشتد، و آن رقעה را در آن نهاده؛ و در نهر جاري یا چاه عمیق یا غدیر آبی بیاندازند، پس همانا می رسد آن بسته به حضرت سید (صاحب الأمر علیهم السلام)، و خود او متولی برآوردن حاجت تو می شود، و خداوند به کرمش امید تورانا امید نمی کند. در این رقעה می نویسی:

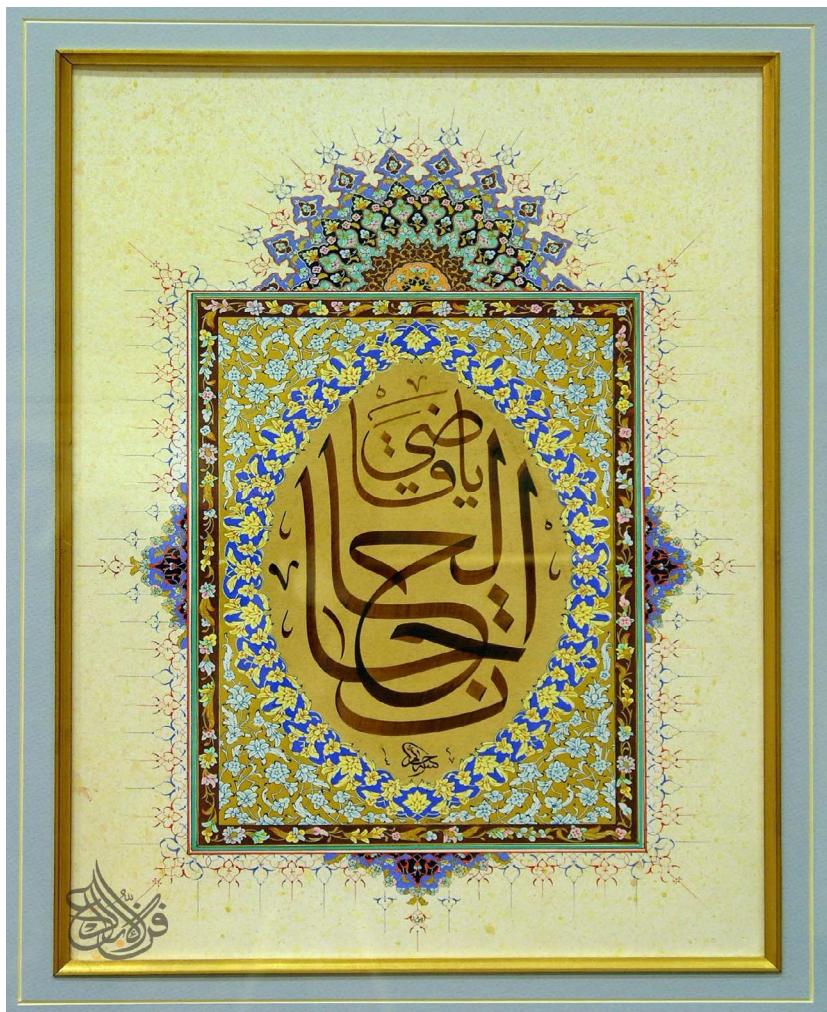
﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، كَتَبْتُ إِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ (صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ)  
مُسْتَغْيِثًا (مستعيناً)، وَشَكُوتُ ما نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) ثُمَّ  
بِكَ، مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَنِي، وَأَشْغَلَ قَلْبِي، وَأَطَالَ فِكْرِي، وَسَلَبَنِي بَعْضَ  
(x بِعْقَرِه) لُبِّي، وَغَيْرَ حَطِيرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عِنْدِي، أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَحْكِيلِ وُرُودِه  
الْخَلِيلِ، وَتَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِفْبَالِهِ إِلَيَّ (x لِي) الْحَمِيمُ، وَعَجَزْتُ عَنْ  
دِفَاعِهِ حِيلَتي، وَخَانَنِي فِي تَحْمِيلِهِ صَبْرِي وَفُوَّتِي، فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَ  
تَوَكَّلْتُ فِي الْمَسَالَةِ لِلَّهِ (جَلَّ ثَناؤُهُ) عَلَيْهِ؛ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي، عِلْمًا  
بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمَيْنَ، وَلِيِّ التَّدْبِيرِ وَمَالِكِ الْأُمُورِ، وَاثِقًا بِكَ فِي  
الْمُسَارَعَةِ (x مِنْكَ بِالْمُسَارَعَةِ) فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ (جَلَّ ثَناؤُهُ) فِي أَمْرِي،

مُتَيَّقِنًا لِإِجابتِه (تَبَارَكَ وَتَعَالَى) إِيَّاكَ يٰاعْطَائِي سُؤْلِي، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ  
 جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي، وَتَصْدِيقِ أَمْلِي فِيكَ، فِي أَمْرٍ (كَذَا وَكَذَا = وَحاجْتِشْ  
 رَا بُنْوِيسْد)، فِيمَا (x مِمَّا) لَا طَاقَةَ لِي بِحَمْلِهِ، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ، وَإِنْ  
 كُنْتُ مُسْتَحِقًا لَهُ وَلِأَضْعَافِهِ بِقَبِيحِ أَفْعَالِي، وَتَفْرِيطِي فِي الْوَاجِبَاتِ الَّتِي  
 لِلَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) عَلَيَّ، فَأَغْثِنِي يَا مَوْلَايَ (صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ) عِنْدَ  
 اللَّهِ، وَقَدْمَ الْمَسْأَلَةِ لِلَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) فِي أَمْرِي، قَبْلَ حُلُولِ التَّلْفِ، وَ  
 شَمَائِلِ الْأَعْدَاءِ، فِيكَ بُسِطَتِ النِّعْمَةُ عَلَيَّ، وَاسْأَلِ اللَّهَ (جَلَّ جَلَالُهُ لِي)  
 نَصْرًا عَزِيزًا، وَفَتْحًا قَرِيبًا، فِيهِ بُلُوغُ (x بِبُلُوغ) الْأَمَالِ، وَخَيْرُ الْمُبَادِيِّ،  
 وَخَوَاتِيمُ الْأَعْمَالِ، وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخَاوِفِ كُلُّهَا فِي كُلِّ حَالٍ، إِنَّهُ (جَلَّ  
 تَنَاؤُهُ) لِمَا يَشَاءُ فَعَالُ، وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدَءِ وَالْمَآلِ﴿.

سپس به کنار نهر یا غدیر آب می روی؛ و تکیه می کنی برای رساندن آن به  
 یکی از ابواب (ناحیه مقدسه) چه عثمان بن سعید العمری یا پسرش محمد بن  
 عثمان یا حسین بن روح یا علی بن محمد السمری؛ پس اینها أبواب حضرت  
 مهدی ﷺ بوده اند، پس یکی از ایشان را صدرا زده و می گویی:

﴿يَا (فلان بن فلان = نام سفیر ناحیه) سلام عليك، أشهد أن وفاتك في  
 سبيل الله، وأنك (x أنت) حيٌ عند الله مرزوق، وقد خاطبتك في  
 حياتك التي لك عند الله عز وجل (x جل و عز)، وهذه رقعي و  
 حاجتي إلى مولانا (x مولاي) ﷺ، فسلمها إليه، فأنت الشقة الأمين﴾.

سپس آنرا در نهر یا چاه یا غدیر انداخته، و با انجام این امر تصور کن که آن رقعه را بdest او می سپاری، پس همانا نامه تو می رسد و حاجت برآورده می شود ان شاء الله تعالى. ”



(١١) المصباح الكفعمي ص ٤٠٤ / البلد الأمين ص ٢٢٨ / بحار الأنوار ج ٩٩ ص ٢٣٢ ح ٢/٢

## (١٠) نسخہ دھمر

❖ علامہ مجلسی رحمۃ اللہ علیہ : نسخہ رقعہ ای کہ نوشتہ می شود و بسوی مشہد مولا یمان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام فرستادہ می شود:

﴿عبدک یا امیر المؤمنین﴾ (فلان بن فلان) نام خواهند حاجت و نام پدرش را بنویسد) یسم اللہ الرَّحْمٰن الرَّحِيم، و الحُمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ کثیرا، کما ہو أهلہ، و صلی اللہ علی السادة الطیبین الطاهرين؛ محمد نبیہ وآلہ الصادقین الفاضلین، و سلّم تسلیما، و لا حول و لا قوہ إلا باللہ العلي العظیم، و حسبُنا اللہ و نِعْمَ الوَکیلُ، أقوى معین، و أهدی دلیل، یا مولا ی و إمامی، یا امیر المؤمنین، صلی اللہ علیک و علی أخیک رسوله و نبیہ، و ابنيک السبطین الفاضلین، سیدی شباب أهل الجنة من خلق اللہ، و عرسک البتوл الطاهرة الزکیة، سیدة نساء العالمین من الأولین و الآخرين، علیکم السلام، أشکو إليک یا مولا ی یا امیر المؤمنین، ما أنا فيه من (کذا و کذا = حاجات خود را بنویسد) و أسئلک بحق مولاک علیک، و بحق أخیک محمد نبیہ، صلی اللہ علیکما، و بحقک و موضعک من اللہ، و بحق ابناک ائمۃ الہدی، صلوات اللہ علیکم أجمعین، و بحق الزهراء الطاهرة، أت تشفع لی إلى اللہ الکریم فی کشف ذلك؛ و تفریجه و إغنائی عن (کذا و کذا = حاجت را بنویسد)

---

تحفة الزائر علامہ مجلسی، مفاتیح النجاة علامہ سبزواری، منتهی الامال محدث قمی.

و ردی إلی (کذا و کذا = در صورت نیاز به بازگشت به محلی نام آنرا بیاورد) و أن يبارك لي في نفسي ولدي وأخي وأختي وزوجتي وما تحويه يدي، وأن يرحمني، ويغفر لي، ويرضي عنی، ويلحقني بكم، ولا يفرق بيني وبينكم، ويمتنعني على طاعتكم، وموالاتي إلياكم، و يخرج أولادي مؤمنين قائلين بكم، وأن يبلغني محابي في نفسي و جميع إخوانی، وأن يرحمني والدي وأهلي ولدي، ويرضي عنی وعنهم، و يدخل علي وعليهم في قبورنا الضياء والنور الفسحة والسرور، و أن يتبدئ في كلما دعوت لنفسي و المؤمنين و المؤمنات، سمع الله ذلك منك في وليك، و شفعك فيه، و حشره معك، و لا فرق بينك وبينه، و الحمد لله رب العالمين، و لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم، توكلت على الحي الدائم، أشهدك أني أولي من والاك، وأبرا إلى الله من أعدائك، و من ظلمك، و ابتزك حقك، و قدم غيرك عليك، و من قتلك، اللهم فاكتب لي هذه الشهادة، و السلام عليك و رحمة الله و بركاته، أهل البيت المبارك، و حسبنا الله و نعم الوكيل<sup>۱۲</sup>.

<sup>۱۲</sup> اگرچه انجم و ارسال این رقعه استغاثة با خطاب به حضرت مولا امیر المؤمنین علیہ السلام و از طریق مشهد علوی علیہ السلام می باشد، اما با خطاب به سایر معصومین علیہم السلام و از طریق دیگر مشاهد مشرفه نیز قابل انجم است.

## (۱۱) نسخه یازدهم

❖ علامه مجلسی رحمۃ اللہ علیہ: نسخه رقعه ای که نوشته می شود در مهمات، که از حضرت امام باقر علیہ السلام روایت شده است، که حضرتش فرمود: هرگاه در بر بگیرد تو را امری؛ که مهموم نماید؛ و یا بر تو عارض شود حاجتی؛ که خداوند سبحان به حقیقت آن داناست، و راست بگوی درباره آن؛ که اوست دانای به غیبها و خفایای امور، پس طاهر باش؛ و روز پنجشنبه را روزه بگیر، و صبح کن روز جمعه را، و با مداد یا مرکب در رقعه ای بنویس:

**﴿سُورَةُ الْحَمْدِ وَآيَتُ الْكَرْسِيِّ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ... تا... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ،﴾** و آیات: الم اللہ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ... تا...  
**وَقُوْدُ النَّارِ،﴾** و آیات: قُلِ اللَّهُمَّ مالِكُ الْمُلْكِ... تا... بِغَيْرِ حِسَابٍ،<sup>۱۳</sup>

و آیات: إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ... تا... قَرِيبٌ<sup>۱۴</sup>  
 من الْمُحْسِنِينَ،<sup>۱۵</sup> و آیات: لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنفُسِكُمْ... تا...  
**رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ،﴾** و آیات: قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ... تا....

(۱۳) سوره حمد آيه ۱ تا ۷.

(۱۴) سوره بقره آيه ۲۵۵ تا ۲۵۷.

(۱۵) سوره آل عمران آيه ۱ تا ۱۰.

(۱۶) سوره آل عمران آيه ۲۶ تا ۲۷.

(۱۷) سوره اعراف آيه ۵۴ تا ۵۶.

(۱۸) سوره توبة آيه ۱۲۸ تا ۱۲۹.

وَ كَبِيرٌ تَكْبِيرًا)،<sup>۱۹</sup> آنگاه می نویسی: الله أَكْبَرُ الله أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا الله وَ  
 الله أَكْبَرُ، الله أَكْبَرُ وَالله الْحَمْدُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، وَآيَاتٍ: طَهْ مَا أَنْزَلْنَا  
 عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقِي... تا... لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى،<sup>۲۰</sup> آنگاه می نویسی: يَا الله  
 يَا الله يَا الله، يَا كَهْفِي إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْيَ مَذَاهِبِي وَعَظَمَتْ هَمُومِي وَ  
 قَلَّ صَبْرِي وَضَعَفَتْ حِيلَتِي وَكَثُرَتْ فَاقِي وَسَاءَتْ ظَنُونِي وَ  
 قَنَطَتْ نَفْسِي وَعَجَزَتْ عَنْ تَدْبِيرِ حَالِي وَتَحْيِرَتْ فِي أَمْرِي، خَلَقْتَنِي  
 كَيْفَ شَئْتَ وَكَنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيَا، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ  
 فَرَجَ هَمُومِي وَأَكْشَفَ غَمُومِي، وَأَزْلَلَ عَذَابَ قَلْبِي، وَغَيْرَ مَا تَرَى  
 مِنْ سُوءِ حَالِي وَآمِنَ خَوْفِي، وَيُسَرِّ بِمَا قَدْ تَعَسَّرَ مِنْ أَمْرِي، وَ  
 اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي مَخْرَجاً، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبْ، إِنَّكَ  
 تَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ، يَا مُحَيِّي الْعَظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، آنگاه می نویسی: مِنْ  
 الْعَبْدِ النَّذِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ  
 الدَّائِمُ الدِّيَمُ الْقَدِيمُ الْأَزِلِيُّ الْأَبْدِيُّ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ  
 فَاطِرُهُمَا وَنُورُهُمَا ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْأَسْمَاءُ الْعَظَامُ، وَسَلَامٌ  
 عَلَى آلِ يَاسِينَ فِي الْعَالَمِينَ، مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةٌ وَالْحَسَنُ وَالْحَسِينُ وَ  
 عَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَ

---

(۱۹) سوره اسراء آيه ۱۱۰ تا ۱۱۱.

(۲۰) سوره طاه آيه ۱ تا ۸.

حجتك يا رب على خلقك، اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رب، لَأْنَكَ أَنْتَ  
 إِلَهِي وَخَالِقِي وَإِلَهُ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، لَا إِلَهٌ غَيْرُكَ وَلَا مَعْبُودٌ  
 سُواكَ، أَتُوَجِّهُ إِلَيْكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي إِذَا دُعِيْتُ بِهَا أَجْبَتْ وَ  
 إِذَا سُئِلْتُ بِهَا أُعْطِيْتَ، إِلَّا صَلَيْتُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَفَعَلْتُ بِي (كَذَا  
 وَكَذَا = وَحَاجَتْ خُودَ رَا در اینجا بنویسد)، وَتَصَلِّيْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ، وَرَحْمَةِ اللّهِ وَبَرَكَاتِهِ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ وَعَلَى أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ  
 الْمُنْتَجَبِينَ الْأَخِيَّارِ الَّذِينَ لَا غَيْرُهُمْ وَلَا بَدْلُهُمْ، وَلَا حُولَّ وَلَا قُوَّةَ  
 إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَحَسِبْنَا اللّهُ وَنَعْمَ الْوَكِيلُ

سپس آن نامه را پیچیده، و (برو کنار دریا)، و رو به قبله کن، و نام خدا را  
 ببر، و صلوات بر رسول الله و خاندان نیکان او بفرست، و بگو: الله  
 لکل شیء (= خداوند برای همه چیز است)، و میان دریا را نشانه بگیر؛ و آنرا  
 در دریا بیانداز، پس همانا خداوند (جلت عظمته) به قدرتش؛ حاجت را بر  
 آورد، و تو را کفایت فرماید.“

# المُسْتَغْاثُ بِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

## ١٢) نسخه دوازدهم

❖ علامه مجلسی: عبدالله بن جعفر حمیری علیه السلام می گوید: نزد مولایم حضرت ابا محمد الحسن بن علي العسكري علیه السلام بود که نامه اي از زندان رسید که از برخی محبان حضرتش بود و در آن از سنگیني آهن (غل و زنجیر) و بدی احوال و تکلیف مالا یطاق از سوی سلطان یاد می کرد، حضرت امام علیه السلام به او نوشت: اي بnde خدا؛ همانا خداوند عز وجل بند گانش را امتحان می فرماید؛ تا اینکه صبرشان را بیازماید؛ و بر حسب آن ثواب صالحان را به آنها بدهد، پس بر تو باد به صبر، و بنویس به خداوند عز وجل؛ نامه اي را؛ و آنرا به مشهد حسین بن علي علیه السلام بفرست، و آنجا آنرا بسوی خداوند عز وجل بالا ببرد، و وقتی آنرا انجمادی که کسی تورا نبیند، و در رقعه بنویس:

﴿إِلَى اللَّهِ الْمُلْكُ الدِّيَانُ الْمُتَحْنُنُ الْمَنَانُ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَذِي  
الْمَنِ الْعَظَامِ وَالْأَيَادِي الْجَسَامِ، وَالْعَالَمُ الْخَفَيَاتِ وَمَحِيبُ الدُّعَوَاتِ وَ  
رَاحِمُ الْعَبَرَاتِ، الَّذِي لَا تَشْغُلُهُ الْلُّغَاتُ وَلَا تَحِيرُهُ الْأَصْوَاتُ وَلَا  
تَأْخُذُهُ السَّنَنُ، مَنْ عَبَدَهُ النَّذِيلُ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ الْمُسْكِنُ الْضَّعِيفُ  
الْمُسْتَجِيرُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ،  
تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْمَنِ الْعَظَامِ وَالْأَيَادِي  
الْجَسَامِ، إِلَهِي مَسَنِي وَأَهْلِي الْضَّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَأَرْأَفَ  
الْأَرْأَفِينَ وَأَجْوَدُ الْأَجْوَدِينَ، وَأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَأَعْدَلَ الْفَاصِلِينَ،  
اللَّهُمَّ إِنِّي قَصَدْتُ بَابَكَ، وَنَزَلتُ بِفَنَائِكَ، وَاعْتَصَمْتُ بِجَبَلِكَ، وَ

استغثت بك، و استجرت بك، يا غياث المستغيثين أغثني، يا جار المستجيرين أجرني، يا إله العالمين خذ بيدي، إنه قد علا الجبارة في أرضك، و ظهروا في بلادك، و اتخذوا أهل دينك خولا، و استأثروا بفيء المسلمين، و منعوا ذوي الحقوق حقوقهم التي جعلتها لهم، و صرفوها في الملاهي و المعاوز، و استصغروا آلاءك، و كذبوا أولياءك، و تسلطوا بجبريتهم، ليعزوا من أذللت، و يذلوا من أعزرت، و احتجبوا عنمن يسألهم حاجة، أو من ينتفع منهم فائدة، و أنت مولاي سامع كل دعوة، و راحم كل عيرة، و مقيل كل عثرة، سامع كل نجوى، و موضع كل شكوى، لا يخفى عليك ما في السماوات العُلي، و الأرضين السفل، و ما بينهما و ما تحت الثرى، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، ابْنُ أَمْتَكَ، ذَلِيلٌ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ، مَسْرُعٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، راج لشوابك، اللَّهُمَّ إِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَيْتَهُ فَعَلَيْكَ يَدْلِنِي وَإِلَيْكَ يَرْشَدِنِي وَفِيمَا عَنْكَ يَرْغَبِنِي، مَوْلَانِي وَقَدْ أَتَيْتَكَ راجِيَا سَيِّدِي، وَقَدْ قَصَدْتَكَ مُؤْمِلَا يَا خَيْرَ مَأْمُول، وَيَا أَكْرَمَ مَقْصُود، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخْبِبْ أَمْلِي، وَلَا تُقْطِعْ رَجَائِي، وَاسْتَجِبْ دَعَائِي، وَارْحَمْ تَضْرِيعِي، يا غياث المستغيثين أغثني، يا جار المستجيرين أجرني، يا إله العالمين خذ بيدي، أنقذني و استنقذني و وفقني و اكفني، اللَّهُمَّ إِنِّي قَصَدْتَكَ بِأَمْلَ فَسِيحٍ، وَأَمْلَتَكَ بِرْجَاءَ مُنْبَسِطٍ، فَلَا

تخيب أملِي، و لا تقطع رجائي، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُخْيِبُ مِنْكَ سَائِلٌ، وَ لَا  
يُنْقَصِّكَ نَائِلٌ، يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا عَمَادَاهُ يَا كَهْفَاهُ يَا  
حَسْنَاهُ يَا حَرْزَاهُ يَا لَجَاهُ، اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَمْلَتَ يَا سَيِّدِي، وَ لَكَ أَسْلَمْتَ  
مَوْلَايِ، وَ لَبَابَكَ قَرْعَتَ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تَرْدِنِي  
بِالْخَيْبَةِ مَحْزُونًا، وَ اجْعَلْنِي مِنْ تَفْضِيلِكَ عَلَيْهِ بِإِحْسَانِكَ، وَ أَنْعَمْتَ  
عَلَيْهِ بِتَفْضِيلِكَ، وَ جَدَتْ عَلَيْهِ بِنِعْمَتِكَ، وَ أَسْبَغْتَ عَلَيْهِ آلَاءِكَ،  
اللَّهُمَّ أَنْتَ غَيْاثِي وَ عَمَادِي وَ أَنْتَ عَصْمَتِي وَ رَجَائِي، مَا لِي أَمْلَأَ  
سَوْكَ وَ لَا رَجَاءَ غَيْرِكَ، اللَّهُمَّ فَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ جُدَّ  
عَلَيْهِ بِفَضْلِكَ، وَ امْنَنَ عَلَيْهِ بِإِحْسَانِكَ، وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلَهُ، وَ لَا  
تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، وَ أَنْتَ خَيْرُ لِي  
مِنْ أَبِي وَ أَمِي وَ مِنْ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ قَصْتِي إِلَيْكَ لَا إِلَهَ  
مِنْ دُوَّلَةٍ، وَ مَسْأَلَتِي لَكَ إِذْ كُنْتَ خَيْرَ مَسْئُولٍ وَ أَعْزَزَ مَأْمُولَ، اللَّهُمَّ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَعَطَّفَ عَلَيْهِ بِإِحْسَانِكَ، وَ مِنْ عَلِيِّ  
بَعْفُوكَ وَ عَافِيتكَ، وَ حَسَنَ دِينِي بِالْغَنَى، وَ احْرَزْ أَمَانَتِي بِالْكَفَايَةِ، وَ  
اشْغَلْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ، وَ لِسَانِي بِذِكْرِكَ، وَ جَوَارِحِي بِمَا يَقْرَبُنِي مِنْكَ،  
اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا وَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَ طَرْفًا غَاضِبًا وَ يَقِينًا  
صَحِيحًا، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخْرِتَ، وَ لَا تَقْدِيمَ مَا أُجْلِتَ، يَا  
رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ

استجب دعائي، وارحم تضرعي، وكف عني البلاء، ولا تشمت بي  
الأعداء ولا حاسدا، ولا تسليني نعمة ألبستنيها، ولا تكثني إلى  
نفسني طرفة عين أبدا، يا رب العالمين وصل على محمد النبي وآلـه  
وسلم تسليما. ”



(٢٢) بحـار الأنوار ج ٩٩ ص ٢٣٨ ح ٥ . مـقام دـيدـارـگـاه صـاحـبـ الزـمان عـلـيـهـ الـسـلامـ

## (۱۳) نسخه سیزدهم

❖ علامه مجلسی رهنما: دستورالعملی است برای مهمات و شدائد و سختیها، ابتدا نیت را خالص کند و شک را از دلش زائل کند، و فریضه عشاء را بجای آورده، سپس دورکعت نافله نشسته را بخواند؛ در رکعت اول سوره فاتحة و سوره واقعه، و در رکعت دوم سوره حمد و سوره قل هوالله احمد، و بعد آن از سخن و گفتگو پرهیزد، و به ذکر و تسبیح هم مشغول نشود، پس چون به بستر خود وارد شود تسبیح بگوید به تسبیح فاطمة، سپس بر پهلوی راست بخوابد در حالیکه یاد خدا ی کند، تا اینکه خواب او را دریابد، و وقتی بیدار شود، خداوند را به تقدیس و تعظیم و آنچه داند یاد کند، پس چون ثلث آخر شب شد برخیزد و وضوی شادابی بگیرد، و در رقعه ای بنویسد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الْحَقِيرِ الْفَقِيرِ الْمَذْنُوبِ،  
الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ، الْمَنْقُطِعُ بِهِ، السَّائِلُ الْمُسْتَكِينُ، الْمُقْرَبُ بِذَنْبِهِ، الظَّالِمُ  
لِنَفْسِهِ، الْمُسْتَجِيرُ بِرَبِّهِ، إِلَى الْمَوْلَى الْكَرِيمِ الْعَظِيمِ الْعُلِيِّ الْأَعْلَى، رَبِّ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، مَالِكِ الْأَمْرِ وَعَلَامِ الْغَيْوَبِ، مَنْ لَا يَضُدُّ لَهُ  
وَلَا يَنْدَلُّ لَهُ، وَلَا صَاحِبَةٌ وَلَا وَلَدٌ لَهُ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ  
لَمْ يُوْلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، أَقُولُ بِخُضُوعٍ وَخُشُوعٍ؛ رَبِّ  
عِلْمَتْ سَوْءًا وَظَلَمَتْ نَفْسِي، فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْفَ عَنِي  
وَاغْفِرْ خَطَائِي، وَاصْفَحْ عَنِ زَلْلِي، وَخُذْ بِيَدِي بِجُودِكَ وَمَجْدِكَ، ثُمَّ  
أَقُولُ: يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ، يَا مَجِيبَ دُعَوةِ

المضطرين، يا منفعت عن المكرهين، يا أرحم الراحمين، إلهي و  
سيدي، أنا عبدهك ابن عبدهك ابن أمتك، (فلان بن فلان=نام خود و  
پدر خود را بنویسد) أنشأتني و كنت صغیراً، وأغنتی و كنت فقیراً،  
و رفعتني و كنت حقیراً، و جبرتني و كنت کسیراً، و مننت علي  
بما أنت أهلها و أعلم به مني، نأشستني (و عزتك و جلالك) من  
المحنة تکرماً، و نعشتني بعد قلة، و أسبغت علي النعمة، و  
أوجبت علي المنة، و بلغتني فوق الأمانة لتبلوني؛ فتعرف شكري و  
مقدار سعي و طاعتي و إقراري و إنابتي، أخذنا بالفضل علي، و  
تأكدنا للحجۃ فيما لدى، فجحدت حق نعمتك، و نسيت ما عندي  
من مننك، و قادني الجهل و العمى إلى رکوب الزلل و الخطاء، حتى  
و قع في غواية الردى، و تبدلـت بالقصیر و العمى، و رکبت طریق  
من حار و طغى، و رکبت فحل بي ما كنت أخفتني، و برح مني  
الخفاء، و صرت إلى حال البؤس و الضراء، بعد إحسانك الكامل و  
نعمتك المتراوفة، و سترك الجميل و صيانتك التامة، إلهي و سيدی  
و مولاي، فقد تغير بالزلل حالی، و كسف بالي، و ظهر احتلالي، و  
شاعت فاقتي، و شهر فقري، و انقطعت من المخلوقین آمالی، و  
أنت العائد على العاصین بالنعم، و الآخذ على المیئین بالإحسان و  
المن، فضلا منك و طولا و جودا و مجدًا، و ولی بیتمام ما ابتدأت

في أمري مني، و رب ما أسديت من معروفك عندي، فقد ظلمت  
نفسني، و فرطت في أمري، و قصرت في حبك عندي، وأنا عائد  
منك بك، و هارب إليك عنك، من الهرمان و سوء القضاء، متسل  
بك إليك، في قبولي و الصفح عنني، و إتمام ما أنعمت به علي، و  
إصلاحه لي، و كشف الضر و الفقر و الفاقة عنني، و الإخلال و  
البلوى، حتى يجري حالي على أجمل حال؛ و أسبغ نعمة كانت علي  
في وقت من الأوقات، يا رب إن كانت ذنبي أخلقت وجهي عندك  
و غيرت حالي، فإني أسألك و أتوجه إليك، و أتوسل إليك و أقرب  
إليك، و أستشفع إليك و أقسم عليك، يا من لا مسئول غيره، و لا  
رب سواه، بجاه سيدنا محمد رسولك، و بجاه أوليائك، و خيرتك و  
أصفيائك و أحبابك من خلقك، على أمير المؤمنين، و فاطمة، و  
الحسن، و الحسين، و علي بن الحسين، و محمد بن علي، و جعفر بن  
محمد، و موسى بن جعفر، و علي بن موسى، و محمد بن علي، و علي  
بن محمد، و الحسن بن علي، و الخلف الصدق الصالح؛ صاحب  
زمانك، و القائم بحجتك و أمرك، و عينك في عبادك، من ولد  
نبيك، صلواتك عليهم أجمعين، و سلامك و رحمتك و بركاتك  
حالصا، و أسألك بحقك عليهم، و بالحق الذي جعلته لهم عليك و  
على جميع خلقك، أن تصلي عليهم أجمعين، و تبلغهم سلامي،

الساعة الساعة، و تكشف بهم ضري، و تفرج بهم همي، و  
تخرجي بهم عن حيرتي، إلى روحك و فرجك و خلاصك و  
عافيتك، و أن تغفر ذنبي التي أصارتني إلى ما أنا فيه، و أن تأخذ  
بيدي، و تعفو عني، عفوا ألقاك به، و أنت مني راض، و تتم ما  
ابتدأت به من أمري، إحسانا إلي، و تكميلا للنعمه عندي، و  
حراسة لي ما أبقيتني، و تفتح ما انغلق من أسبابي فترزقني، الساعة  
الساعة الساعة، منك رزقا واسعا واسعا صبا صبا صبا  
حلا طيبا، من غير كد و لا كدر، و لا منة من أحد من خلقك،  
إلا سعة من عطياتك السابقة، و خزائنك العظيمة في سمائك و  
أرضك، فمن فضلك أسأل، فصل على محمد و آله، و عجل ذلك  
علي، في يسر منك و عافية، و نعمة وسلامة، و حميد عاقبة، و  
سهل لي قضاء ديوني كلها، و صلاح شؤوني كلها، عاجلا عاجلا  
غير آجل، و خذ بناصيتي إلى العمل بطاعتكم، و طاعة محمد و آله،  
صلواتكم عليهم، فيما تهبه لي، و احرسه علي و عندي، ما أبقيتني،  
و أقبل علي بصبح، يكون لي فيه؛ كامل الفلاح و الصلاح و  
النجاح، و تعجيل السراح، يا من بيده خزائن كل مفتاح، فإنك على  
كل شيء قادر، و ما تشاء من أمر يكون، و لا حول و لا قوة إلا  
بالله العلي العظيم، و الصلاة على رسوله، و آله الطاهرين الأخيار

الأبرار، و على جبرائيل و ميكائيل، و جميع الملائكة المقربين، و الأنبياء و المرسلين، و الأئمة الطاهرين، صلوات الله عليهم، و ما شاء الله كان، و هو خير الغافرين، و حسبنا الله و نعم الوكيل ﴿.

و هشت رکعت پی در پی بجای آورد، در هر رکعت سوره فاتحة الكتاب و ۵۰ بار سوره قل هو الله احده سپس دورکعت بگذارد؛ در رکعت اول سوره حمد و سوره اعلی، و در رکعت دوم سوره حمد و سوره قل يا ايها الكافرون، پس وقتي ازانها فارغ شد، برخيزد و رکعت و ترا را بجای آورد و در آن حمد و قل هو الله احده بخواند، و به دعای و تر دعا کند و قنوت را با حالت خشوع و تضرع و نيازمندي طول دهد، پس چون فارغ شود از نماز و ترا، برخيزد و بايستد و سر خود را برهنه کند و با دست راست خود رفعه اي که به خط خود نوشته بود را بالا برد؛ و با دست چپ خود تکيه بر پشت و گرده خود نماید؛ و بگويد: (يا رب) بقدري که نفس قطع شود، و بگويد: (منك يا سيد) به همان قدر، و بگويد: (يا مولا) به همان مقدار، سپس بگويد:

﴿هذا مقام العائد الضارع الذليل الخاشع، البائس الفقير، المسكين الحقير، المستكين المستجير، الذي لا يجد لكشف ما به غيرك، ولا يرجع فيما قد أحاط به إلى سواك، سيدي أنا من قد علمت، و في ما عرفت، من ضعفي عن عبادتك، إلا بتوفيقك، و تقصيرك عن شكرك، إلا بعونك، أقر بذنبي في ذلك، و أتعترف بجريمي، و أسأل الصفح عنني، فصل على محمد و آلـهـ، و أبلغهم الساعة الساعة

الساعة عني أفضل التحية و السلام، و اقبلني بهم اللّهُمَّ على ما  
كان مبني، و ارحم ضعف ركني، و استجب دعائي برحمتك يا أرحم  
الراحمين).

سپس بگرید یا به حالت گریان باشد، آنگاه از دعاء دست کشیده؛ در حالیکه  
نگاهش خاشع، و دستش به رقه بسوی آسمان بلند نموده باشد، و در جایی باشد  
که خالی و او تنها باشد و کسی او را نبیند (اگر بتواند)، و بر همین حال بماند  
تا اینکه فجر پدیدار شود (اگر طاقت بیاورد)، و اگر نتواند و ناتوان شود و  
صبرش بکاهد؛ پس سجده کند و صورتش را در خاک مالد، و در حالی که  
رویش بر زمین است؛ سبابه راستش را بالا نگهدارد، و پناه بجويد به پروردگار؛  
واز او فربادرسي بخواهد و بگويد:

﴿سِيِّدِيْ أَوْبَقْتَنِيَ الذُّنُوبُ، وَ حِيرْتَنِيَ الْخَطُوبُ، وَ أَحْدَقْتَ بِهِ  
الْكَرُوبُ، وَ انْقَطَعَ رَجَائِيَ فِي كَشْفِ ذَلِكِ إِلَّا مِنْكَ، وَ ثَقَيْتَ لِنَّ  
تَنْصُرُ فِيْكَ، إِلَهِيْ وَ سِيِّدِيْ، فَانْظُرْ بَعْنِيْ رَأْفَتَكَ إِلَيْيَ، وَ جُدْ بِجُودِكَ  
وَ إِحْسَانِكَ عَلَيْيَ وَ أَجْرِنِيْ فِي لَيْلَتِيْ، وَ اقْبَلْ قَصْتِيْ، وَ اقْضِ حَاجَتِيْ،  
وَ اسْتَجِبْ دَعْوَتِيْ، وَ اكْشَفْ حِيرَتِيْ، وَ أَزْلِ الْفَقْرَ وَ الْفَاقَةَ عَنِيْ، وَ  
أَعْذِنِيْ مِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَ دَرْكَ الشَّقَاءِ، وَ أَعْطِنِيْ سُؤْلِيْ وَ  
مَسَأْلِيْ، بِجُودِكَ وَ كَرْمِكَ يَا مُولَّايِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مَجِيبٌ﴾.

آنگاه نیت کن؛ با نیت ریشه کن گنده عادت به خطای؛ و روی آورنده به  
خداوند؛ که ترک کنی گناه یا نقیصه ای را که الان به آن گرفتار هستی؛ پس

همانا خداوند (عز و جل) کریمترین کسی است که خوانده و دعای شود، و نزدیکترین اجابت کننده است.

سپس آن رقه را گرفته؛ و آنرا در دریا یا در نهر و یا در آب جاری بیاندازد،  
خداوند حاجت او را برآورد؛ و گره او را بگشاید، ان شاء اللہ عزّ وجل.<sup>۶۳</sup>



مقام دیدارگاه صاحب الزمان علیه السلام کنار نهر دجلة – نعمانیه – عراق ↑

## (۱۴) نسخه چهاردهم

❖ علامه مجلسی از شیخ صهرشتی از شیخ طوسی علیه السلام : بعد از نقل نسخه کشمردیه می گوید: این رقعه را نوشته؛ و پیچیده؛ و سپس رقعه دیگری خطاب به حضرت صاحب الزمان علیه السلام نوشته، و رقعه قبلی را در دل این رقعه گذارد، و آنرا بسته و در دریا یا چاه می اندازد، ابتدا در رقعه ای نوشته می شود:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَقَدَّسَ أَسْمَاؤُهُ، رَبِّ  
 الْأَرْبَابِ، وَ قَاصِمِ الْجَبَابِرَةِ الْعِظَامِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَ كَاشِفِ الضُّرِّ، الَّذِي  
 سَبَقَ فِي عِلْمِهِ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ، مِنْ عَبْدِهِ الدَّلِيلِ الْمِسْكِينِ، الَّذِي  
 انْقَطَعَتْ بِهِ الْأَسْبَابُ، وَ طَالَ عَلَيْهِ الْعَذَابُ، وَ هَجَرَهُ الْأَهْلُ، وَ بَايَنَهُ  
 الصَّدِيقُ الْحَمِيمُ فَبَقِيَ مُرْتَهِنًا بِذَنْبِهِ، قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ، وَ ظَلَبَ التَّجَاجَ فَلَمْ  
 يَجِدْ مَلْجَأً، وَ لَا مُلْتَجَأً، غَيْرَ الْقَادِرِ عَلَى حَلِّ الْعَقْدِ، وَ مُؤْبَدِ الْأَبَدِ،  
 فَفَرَّعَيْ إِلَيْهِ وَ اعْتَمَدَيْ عَلَيْهِ، وَ لَا لَجَأَ وَ لَا مُلْتَجَأً إِلَّا إِلَيْهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي  
 أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ الْمَاضِيِّ، وَ بِنُورِكَ الْعَظِيمِ، وَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ بِحُجَّتِكَ  
 الْبَالِغَةِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَأْخُذَ بِيَدِي وَ تَجْعَلَنِي  
 مِمَّنْ تَقْبِلُ دَعْوَتُهُ، وَ تَقْبِلُ عَثْرَتُهُ، وَ تَكْشِفُ كُرْبَتُهُ، وَ تُزِيلُ تَرْحَتَهُ، وَ  
 تَجْعَلُ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ فَرَجَا وَ مَحْرَجاً، وَ تَرْدَدَ عَنِّي بَأْسَ هَذَا الظَّالِمِ الْغَاشِيمِ، وَ  
 بَأْسَ النَّاسِ، يَا رَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ، حَسْبِيَ أَنْتَ وَ كَفِي، مَنْ أَنْتَ  
 حَسْبُهُ، يَا كَاشِفَ الْأُمُورِ الْعِظَامِ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ﴾

سِيِّسِ رَقْعَه دِيْگُرِي خَطَاب بِه حَضُورُ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ الْكَفَافُ بِنَوِيْسَد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، تَوَسَّلْتُ بِحُجَّةِ اللَّهِ الْحَلَفِ الصَّالِحِ، مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، الْتَّبَاعُ الْعَظِيمُ، وَالصَّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، وَالْحَبْلُ الْمَتِينُ، عِصْمَةُ الْمَلْجَاءِ، وَقَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالثَّارِ، أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِآبائِكَ الْطَّاهِرِينَ الْخَيْرِينَ الْمُنْتَجَبِينَ، وَأَمْهَاتِكَ الْطَّاهِراتِ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، الَّذِينَ ذَكَرْتُمُ اللَّهَ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ (عَزَّ مَنْ قَائلُ): ﴿الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ﴾، وَبِجَدْلِكَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخَلِيلُهُ وَحَبِيبُهُ وَخَيْرُتُهُ مِنْ حَلْقِهِ، أَنْ تَكُونَ وَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) فِي كَشْفِ ضُرِّيِّ، وَحَلْ عَقْدِي، وَفَرَّاجَ حَسْرَتِي، وَكَشْفِ بَلَيَّتِي، وَتَنْفِيَسِ تَرْحَتِي، وَبِكَهِيَعْصِ وَبِيَاسِينِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَبِالْكَلِمَةِ الطَّيِّبَةِ، وَبِمَجَارِي الْقُرْآنِ، وَبِمُسْتَقَرِّ الرَّحْمَةِ، وَبِجَبَرُوتِ الْعَظَمَةِ، وَبِاللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ، وَبِحَقِيقَةِ الإِيمَانِ، وَقِوَامِ الْبُرهَانِ، وَبِنُورِ الشُّورِ، وَبِمَعْدَنِ التُّورِ، وَالْحِجَابِ الْمَسْتُورِ، وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَبِالسَّبْعِ الْمَثَانِيِّ، وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَفَرَائِضِ الْأَحْكَامِ، وَالْمُكَلَّمِ بِالْعِبْرَانِيِّ، وَالْمُتَرْجِمِ بِالْيُونَانِيِّ، وَالْمُنَاجِي بِالسَّرْيَانِيِّ، وَمَا دَارَ فِي الْحَظَرَاتِ، وَمَا لَمْ يُحْظَ بِه لِلظُّنُونِ، مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْرُونِ، وَبِسِرْكَ الْمَصْوُنِ، وَبِالتَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ وَالرَّبُورِ، يَا ذَا الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخُذْ بِيَدِيِّ، وَفَرَّجْ عَنِّي

بِأَنْوَارِكَ وَأَقْسَامِكَ وَكَلِمَاتِكَ الْبَالِغَةِ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَ  
نِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَوَاتُهُ وَسَلَامُهُ  
عَلَى صَفْوَتِهِ مِنْ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٌ وَذُرِّيَّتِهِ۔

آنگاه هر دو نامه را خوشبو کرده و نامه (خطاب به خداوند باری تعالی) را در میان نامه (خطاب به امام عاشیله) قرار داده، و هر دو را در گل نرم قرار داده، و سپس دو رکعت نماز گزارده و توجه به خداوند تعالی می کنی بواسطه محمد و آل محمد علیهم السلام، آنگاه آن (بسته گلین) را شب جمعه در آب روان یا چاه آبی می افکنی.

پس از به آب انداختن نامه ها، با این دعا؛ خدای را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي لَحْظَتِ بِهَا الْبَحْرَ الْعِجَاجَ، فَأَزْبَدْ وَهَا جَوَاجَ، وَ كَانَ كَاللَّيْلِ الدَّاجِ، طَوْعًا لِأَمْرِكَ، وَ خَوْفًا مِنْ سَطْوَتِكَ، فَأَفْتَقَ أُجَاجُهُ، وَ ائْتَلَقَ مِنْهَا جُهُهُ، وَ سَبَّحَتْ جَزَائِرُهُ، وَ قَدَّسَتْ جَوَاهِرُهُ، ثُنَادِيكَ حِيتَانُهُ بِاخْتِلَافِ لُغَاتِهَا، إِلَهَنَا وَ سَيِّدَنَا مَا الَّذِي نَزَّلَ بِنَا، وَ مَا الَّذِي حَلَّ بِبَحْرِنَا، فَقُلْتَ لَهَا: أُسْكُنِي، سَاسْكِنُكَ مَلِيًّاً، وَ أَجَاوِرُكَ عَبْدًا زَكِيًّاً، فَسَكَنَ وَ سَبَّحَ، وَ وَعَدَ بِضَمَائِرِ الْمِنَاحِ، فَلَمَّا نَزَّلَ بِهِ ابْنُ مَتَّيَّ، بِمَا أَلْمَ الظُّنُونَ، فَلَمَّا صَارَ فِيهَا، سَبَّحَ فِي أَمْعَائِهَا، فَبَكَتِ الْجِبَالُ عَلَيْهِ تَلْهُفًا، وَ أَشْفَقَتِ عَلَيْهِ الْأَرْضُ تَأْسُفًا، فَيُوْنُسُ فِي حُوتِهِ كَمُوسِي فِي تَابُوتِهِ لِأَمْرِكَ طَائِعٌ، وَ لِوَجْهِكَ سَاجِدٌ خَاضِعٌ، فَلَمَّا أَحْبَبَتَ أَنْ تَقِيَّهُ، أَلْقَيْتَهُ بِشَاطِئِ الْبَحْرِ شَلْوًا، لَا تَنْظُرُ عَيْنَاهُ، وَ لَا تَبْطِشُ يَدَاهُ، وَ لَا تَرْكُضْ رِجْلَاهُ، وَ أَنْبَتَ مِنَّهُ مِنْكَ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينِ، وَ أَجْرَيْتَ لَهُ فُرَاتًا مِنْ مَعِينِ،

فَلَمَّا اسْتَغْفَرَ وَتَابَ، خَرَقْتَ لَهُ إِلَى الْجَنَّةِ بَابًا، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ، (آنگاه

حضرات آئمّةٌ مُلَائِكَةٌ رَايَكَ بِهِ يَكْ نَامَ بِبرَدٍ) عَلَيْهِ الْحَسَنُ، الْحَسِينُ، عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ،

عَلَيْهِ مُوسَى، عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ، عَلَيْهِ الْحَسَنُ، مُحَمَّدٌ» وَبِرِيكَائِيكَ ایشان سلام

فرستد.<sup>۹۴</sup>

وَبَا انجام این عمل؛ اجابت الهی را حس کن و یقینی بدان، و این نوشتن نامه و

رقعه نویسی را برای آزمایش و تجربه انجام مده، بلکه باور داشته باش که

خواسته ات اجابت می شود، و تنها در سختی ها و امور بسیار دشوار؛ این عمل

(رقعه نوشتن) انجام شود.

وزنهار که این رقعه را ننویسی؛ برای کسی که شایستگی آنرا ندارد، و این رقعه

او را فایده ای ندهد. و این امر امانتی است در گردن تو، که بزودی در مورد آن

بازخواست خواهی شد.<sup>۹۵</sup>

﴿ از این بیان استفاده می شود؛ که منع نیست در نوشتن رقعه؛ برای ناتوان از نوشتن؛ بشرطی که اهلیت رقعه نویسی را داشته باشد، اما نوشتن آن برای نااهل و غیر واجد شرایط؛ از محذورات و منهیات است؛ که باید از آن پرهیز شود، و نااهل در این موضوع کسی است که اهل تردید و شک بوده یا در مقام آزمایش و تجربه باشد، و از صمیم قلب و از روی عقیده صحیح خواهان انجام این روش نباشد.

---

(۲۴) سلام دادن در نقل بحار الأنوار نیامده، اما در نقل محدث قمی در کتاب منتهی الآمال

به نقل از تحفة الزائر علامه مجلسی و مفاتیح النجاة سیزواری آمده است.

(۲۵) المصباح المتهجد، خلاصة المصباح للشيخ الطوسي / قبس المصباح للصهري / بحار

الأنوار ج ۹۱ ص ۲۸ ح ۲۱.

# وکلاء و سفراء و نمایندگان ناحیه مقدسه

حضرت مولا صاحب الأمر محمد المهدي علیه السلام، همچون بقیه حضرات ائمه هداة علیهم السلام؛ برای ارتباط مردم؛ واسطه های اتصال و مجاری فیضی میان ناحیه مقدسه و مؤمنین مقرر فرموده اند.

این مسیرهای اتصال و راههای پیوند؛ مراتب مختلفی داشته اند، که از مرتبه باب امام علیه السلام تا وکیل و سفیر و کارگزاران ناحیه؛ متفاوت می باشند، بالاترین مرتبه؛ از برای باب امام علیه السلام است، ابواب ائمه معصومین علیهم السلام همگی شناخته شده و معروفند، اما باب امام مهدی علیه السلام (که دارای منزلت سلمان نزد مولا علی علیه السلام است) تا قبل از ظهور جهانی؛ به مانند حضرتش مستور می باشد، ولی وكلاء و سفراء و کارگزاران ناحیه مقدسه در دوره غیبت صغیری آشکار بوده؛ و در دوران غیبت کبری؛ غالباً پنهان بوده؛ و بر حسب مرتبه و مأموریت و نیز شرایط شان؛ (گاهی نهان و گاهی پیدا) انجام وظیفه نموده و می نمایند.

برخی از این وكلاء و سفراء؛ مانند نواب اربعة (بغداد) نزد عموم شیعیان تا به امروز هم معروفند، اما نام و احوال سایرین بر غالب مردمان امروزه مجهول بوده، و تنها در کتب تخصصی منابع حدیث و رجال؛ نشانی برخی از ایشان باقی مانده است.

نواب اربعة همانا: عثمان بن سعید - سعید بن عثمان - حسین بن روح - علی بن محمد سمری (صیمری) قاتل می باشند، که در ناحیه بغداد مرکزیت

ماموریتشان بوده، و خود وکلای هم داشته؛ و بر حسب ماموریت تا بلاد عیده از عراق نیز گاهی ماموریت یافته اند.

↗ دو نائب اول و دوم قیصری که از زمان جد و پدر امام علی‌الله علیهم السلام مسؤولیت وکالت داشته اند؛ ولنا در دوران حضرت مهدی علی‌الله علیهم السلام نیز نزد عامه شیعه معروف و مقبول بوده اند، اما بعد از وفات ایشان (علیرغم وجود شخصیتهاي سرشناس علمي و اجتماعي شيعي) جناب حسین بن روح قیصری از ناحيه مقدسه ماموریت یافت، ولنا در عصر او اختلاف و انکار (در ناحيه بغداد) شروع گشت، و در عصر نائب چهارم (علی بن محمد سمری قیصری) آنقدر اختلاف و انکار زیاده شد؛ که مدت ماموریت وي طولی نکشیده؛ و با رحلت وي؛ منصب نیابت در آن سامان قطع گردید، از توقیعات او اخر به صیمری؛ و نیز اخبار ثبت شده در منابع حدیث، بخوبی واضح است که رویکرد منکرین و کسانی که وکیل و نماینده حضرتش را در انزوا گذارده بودند؛ سبب اعراض امام علی‌الله علیهم السلام از آنها؛ و منتهی به عدم معرفی جانشین برای وي شده است.

↗ از آنجا که بسیاري از وکلاء ديگر بلاد مانند ايران؛ بعضها مستقلابا ناحيه مقدسه ارتباط داشته اند، و انکار و اختلاف و انکاري (به مانند حوزه نواب بغداد) در نواحي ديگر نقل نشده است، فلذا انقطاع باب وکالت در آن نواحي معلوم نیست، بلکه از مراسلات و احوال وکلاء برخی بلاد بر می آيد که اعتقاد و التزام مراجعين حوزه ایشان محکم و استوار بوده است؛ پس قاعدهتا فعالیت آن وکلای استمرار یافته است.

↗ برنامه شيعيان در ارسال نامه به ناحيه مقدسه؛ و خروج جواب و توقيع از ناحيه حضرت صاحب الأمر علی‌الله علیهم السلام به سوي شيعيان؛ بعد از وفات علی بن محمد

سمیری صیمری (که به دوران غیبت کبری معروف است) نیز همچنان ادامه داشته است، و بر این امر شواهد بسیاری وجود دارد که علماء برخی از آنها را در کتب خویش نقل کرده اند، بطور نمونه: از توقیع صادره برای شیخ مفید گرفته، تا واسطه ای که سید بن طاووس برای انتقال نامه به ناحیه مقدسه نام برده و پاسخی که او از ناحیه مقدسه آورده است، یا اخبار استمرار وکالت و نواب حضرتش در بلاد پیروان راسخ ایشان در منابع معتبره متعدد نقل و شرح شده است، تا شخصیت‌های سرشناسی مانند سید بحرالعلوم و سید ابوالحسن اصفهانی که مکرراً وقایع تبادل نامه و پیامها از ایشان نقل و به اثبات رسیده است، اما هیچ یک خود ایشان ادعای نیابت یا وکالت نداشته؛ و شرح اکثر وقایع مربوط به ارتباطات ایشان نیز بعد از وفاتشان منتشر شده است، و این موارد معروف جز مراسلات و ارتباط‌های پنهان شیعیان با ناحیه مقدسه و توسط افراد گمنام و غیر معروف است.

﴿ افزون براینها؛ دستور العمل (رقعه استغاثه) که منصوص از مخصوصین علیهم السلام می باشد؛ خود نوعی تشویق حضرات به تعمیم موضوع ارتباط و همگانی شدن پیوند مردم با ناحیه مقدسه و تحکیم آن در سطح عمومی و فردی مؤمنین است، هرچند یکی از شرطوط مؤکد نتیجه گرفتن این روش؛ ارسال مخفیانه آنست، که خود سدّ باب تظاهر و ادعاء در این مقوله می باشد. ﴾

﴿ خلاصه اینکه: نه تنها وکلاء و وسائل ناحیه مقدسه به نواب اربعه محدود نبوده، بلکه این امکان مراسله؛ بعد از دوران غیبت صغیری و در تمام دوران غیبت کبری همچنان برقرار بوده است، اما با این تفاوت که در دوران غیبت صغیری؛ نائب امام مشخص و آشکار در محل معینی مورد مراجعه و تبادل

مراسلات بوده، اما در دوران غیبت کبری، آن نشان از شخص و نشانی او برداشته شده است، و هر که چنین ادعایی کند محکوم به تکذیب است، ولی با همه اینها؛ باب ارتباط و مراسله مسدود نشده و همچنان مفتوح مانده است.

﴿ از آنجا که جزو دستور رقعه استغاثه؛ بجهت ایصال آن به محضر مولا علیهم السلام سپردن نامه به یکی از ولاء ناحیه مقدسه؛ و نام بردن وي و خواهش از او برای رساندن رقعه می باشد، در اینجا نام برخی از نواب و ولاء و سفراء ناحیه مقدسه را که در کتب بزرگان شیعه ثبت شده است؛ یاد می نمائیم:

- باب مستور حضرت صاحب الأمر (منه السلام) = یا باب حجۃ اللہ المستور  
فی خلقہ (نحو خطاب در ارسال رقعه).

- بانو سوسن (حدیث، حدیثة، سمانة) جدّه امام زمان ومادر امام حسن عسکری علیهم السلام ووصی حافظ ودایع حضرت، که از ابتدای ولادت حضرت مهدی علیهم السلام و پس از رحلت امام حسن عسکری علیهم السلام و در زمان غیبت (تا وقت رحلت خود) مرجع شیعیان و طریق اتصال و راهیابی به حضرتش بوده است. وقتی احمد بن ابراهیم سؤال شیعیان را از جناب حکیمة خاتون دختر حضرت امام جواد و خواهر امام هادی و عمه امام عسکری و امام زمان علیهم السلام می پرسد که: کجا شد این مولود (مهدی علیهم السلام)؟ او می گوید: مستور است. گفتم: پس شیعه به چه کسی پناه برده و مراجعت کنند؟ می گوید: به جَدَّةُ أُمِّي مُحَمَّد (مادر بزرگ امام زمان = مادر امام عسکری علیهم السلام) باید پناه برده و حل مشکلات و مسائل شان را از او بخواهند. البته جناب نرجس خاتون مادر امام زمان علیهم السلام هم در مدت کمی که بعد از امام عسکری علیهم السلام حضور داشتند،

واسطه برخی ارتباطات با حضرت صاحب الأمر علیهم السلام بوده اند.

۳- برخی از خادمان حضرات ائمه اخیر (امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام) که به همراه خادمان حضرت مهدی علیهم السلام در خدمت حضرش بوده اند، امثال: بنوی خادمه امام عسکری و امام مهدی علیهم السلام مقیم مکه (در محل خانه حضرت خدیجة و مولده حضرت زهراء و محل بیتوته حضرات معصومین از جمله حضرت صاحب الأمر علیهم السلام).

۴- عثمان بن سعید عمری،<sup>۵</sup> و فرزندش محمد بن عثمان، (در یکی از دستور العملها نام سعید بن عثمان هم در کنار نام محمد بن عثمان ذکر شده بود، اما از آنجا که وجود او و داشتن چنین مأموریتی به ثبت نرسیده؛ فلذا این ذکر؛ حمل بر تصحیف نسخه و سهو کاتبان شده است)،<sup>۶</sup> و بعد از محمد بن عثمان؛ جناب حسین بن روح نوبختی،<sup>۷</sup> و بعد از او جناب علی بن محمد سمری (صیمری) از وکلای ناحیه بوده اند.

۸- ابوهاشم داود جعفری از اصحاب امام هشتم تا دوازدهم علیهم السلام (که در توصیف ناحیه از وکلاء به غائب علیل یاد شده است) و در قبه حرم عسکریین علیهم السلام نزد حضرات مدفون است.

۹- ابراهیم بن محمد الهمذانی، وکیل پنج معصوم (امام رضا و امام جواد و امام هادی و امام عسکری و امام مهدی علیهم السلام) بوده،<sup>۱۰</sup> و علی بن ابراهیم پسرش،<sup>۱۱</sup> و محمد بن ابراهیم پسر دیگرش،<sup>۱۲</sup> و محمد بن علی نوه اش،<sup>۱۳</sup> و قاسم بن محمد نتیجه اش، همگی وکل ناحیه در زمان خود بوده اند (همدان و غرب ایران)، البته وکالت در این ناحیه (مانند سایر نواحی) محدود به یکنفر نبوده و

گاهی چند نفر همزمان مأموریت وکالت داشته اند.

- ۱۴- محمد بن صالح بن محمد الهمداني الدهقان (وکيل دو امام علیهم السلام)، <sup>۱۵</sup> وبعد او پرسش علي بن محمد.
- ۱۶- قاسم بن العلاء (آذر بايجان و قفقان).
- ۱۷- إبراهيم بن مهزيار الأهوازي، <sup>۱۸</sup> و پرسش محمد بن إبراهيم بن مهزيار الأهوازي (اهواز و خوزستان).
- ۱۹- أبو الحسين محمد بن أبي عبد الله جعفر الأسدی الرازی العربي (ري).
- ۲۰- أبو طاهر احمد بن حمزة بن اليسع الأشعري القمي (دوران پنج امام علیهم السلام).
- ۲۱- محمد بن يحيى، <sup>۲۲</sup> و پرسش أحمد بن محمد.
- ۲۳- حفص بن عمرو يعمري؛ وکيل امام عسکري و امام مهدي علیهم السلام.
- ۲۴- ابو عبد الله هارون بن عمران همداني، <sup>۲۵</sup> و پرسش ابو محمد حسن بن هارون.
- ۲۶- و ابو علي بسطام بن علي، <sup>۲۷</sup> والعزيز بن زهير (بني کشمرد)، <sup>۲۸</sup> و ايوب بن نوح، <sup>۲۹</sup> و حاجز الوشا، <sup>۳۰</sup> و عيسى بن جعفر بن عاصم العاصمي الكوفي البغدادي، <sup>۳۱</sup> و محمد بن شاذان النعيمي في نيشابور، <sup>۳۲</sup> ابوالقاسم حسن بن احمد، <sup>۳۴</sup> و شامي، <sup>۳۵</sup> و اسحاق بن اسماعيل نيشابوري، <sup>۳۶</sup> و ثائر بالله حسيني جبلي، <sup>۳۷</sup> و جعفر بن حمدان خصبي (ابن خصيب) اهواز، <sup>۳۸</sup> و حسن بن فضل يمني، <sup>۳۹</sup> و ابو جعفر محمد بن علي بن جعفر الأسود، <sup>۴۰</sup> و علي بن سليمان بن حسن جهم بن بکير بن اعين، <sup>۴۱</sup> و محمد بن اسحاق قمي (و

این جز احمد بن اسحاق قمی است که وکیل امام عسکری علیہ السلام بوده و محضر حضرت مهدی علیہ السلام را نیز دریافته است)،<sup>۴۲</sup> و علی بن شبل بن اسد،<sup>۴۳</sup> محمد بن احمد و<sup>۴۴</sup> ابو عبد الله بزوفری، ووو...

و شخصیتهاي بسيار ديگري که مسؤوليت اين امر عظيم را داشته و دارند، حضرت مولا صاحب الامر علیہ السلام از همه ايشان راضي باشد.



# آداب کامل

برای نوشتن و ارسال رقعه استفاده

**سؤال:** نظر مبارک را در موارد زیر لطف فرمایید: بهترین رقعه جهت عرض حاجت به ناحیه مقدسه چیست؟ عرض حاجت در ضمن آن چگونه است؟ آیا هنگام نوشتن یا پیش و بعد از آن مراعات شرایطی لازم است؟ چگونه به ناحیه مقدسه ارسال گردد؟

**جواب:** توجّه الى الله تعالى بالعُده والدّخیر، للشّدائِد والأمور العظيمَه، بِمُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّيِّبِين الظَّاهِرِين صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِين، عَمَدَه در انگيزه: شدت اضطرار و بیچارگی رقعه نویس در ابتلاء، و معرفت او به اینکه؛ مخاطب رقعه تنها ملجاً و ملاذ اوست، و در احادیث شریفه و مجامع آن از حضرات علیهم السلام نمونه هایی برای مضمون آن رقعه وارد شده است؛ و از جمله پانزده نمونه در کتاب بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۲۳ و ج ۹۹ ص ۱۳۳ الی ص ۵۴ ذکر شده است، و اکتفاء به هر یک مجزی بوده، ولی از میان آنها، آنکه مشتمل بر توجّه خطاب صریح به حضرت صاحب الأمر والعصر والزمان (عجل الله تعالى فرجه الشَّرِيف) است؛ مقدم می باشد، و جمع بین مضامین آنها با تأليف آن شامل خواهد بود، هر چند که مهم آنست که رقعه بر مفاد آن نمونه ها مشتمل باشد، نه عین فقرات آنها، و محتواي رقعه: توجّه خطاب به ملجاً حقيقی، با اظهار معرفت تمام و تمام به مولی (منه السلام)، در ضمن اعتراف به مذلت و عبودیت خود، همراه با اشاره به شدت حال و اضطرار، یا بیان تفصیلی مورد حاجت و ابتلاء (البته نه با نحو اطناب) می باشد. و از آداب مذکوره در این خصوص این موارد می باشد:

- ۱-** انجام عمل رقعه استغاثه در شرایط سختی و امور دشوار.
- ۲-** بیرون نمودن شک از قلب؛ و یقین داشتن به اثر عمل و اجابت خواسته، و اقدام به این عمل از روی عقیده صحیح و خالص؛ نه از روی آزمایش و تجربه.

۳- امیدوار بودن و داشتن توکل به خداوند (عز و جل) و اعتماد به مولا صاحب الأمر (منه السلام)، و کفایت خداوند و دفاع الهی را؛ بین خود و آنکه تو را تهدید کرده؛ قرار دادن.

۴- اعتراف به گناهان و از یک به یک آنها توبه نمودن، و بر ترک همیشگی یکی از بدیهای خود عقد و عزم جدی نماید.

۵- روزه گرفتن روز پنجشنبه روز قبل ارسال (در صورت تیسر و فرصت)،

۶- خلوت گزیدن در طول عمل (از اول شب جمعه تا فراغت از ارسال و اعمال آن)، بطوریکه کسی یا چیزی او را مشغول ننماید، و از تماس و سخن با هر کسی در سرتاسر عمل بپرهیزد، و در جایی باشد که خالی و او تنها باشد و کسی او را نبیند (اگر بتواند).

۷- پس طاهر باشد؛ از نجاسات در طول اعمال (مقدماتی و مؤخراتی) قبل نوشتن تا بعد ارسال رفعه.

۸- و قبل از شروع در عمل عبادات (مقدماتی) نوشتن غسل نماید.

۹- و در سرتا سر اعمال از آغاز مقدمات تا فراغت از ارسال؛ با وضو باشد.

۱۰- لباس پاکیزه و سپید و ساده پوشیده باشد، بهترینش به مانند لباس احرام است.

۱۱- در سرتاسر عمل؛ بخصوص در نوشتن و ارسال رفعه؛ با حال نیازمندی و خشوع و توجه و توسل و تضرع و توبه باشد.

۱۲- رعایت توجه و رو به قبله بودن در سرتاسر عمل؛ بخصوص در اعمال و اذکار و نوشتن، و ارسال رفعه (در صورت امکان).

- ۱۳- انجام برنامه مناجات و تoslات در شب جمعه قبل ارسال (بقدر میسور)،
- ۱۴- توجه: نما بخداوند بوسیله حضرات معصومین بویژه حضرت مهدی علیه السلام.
- ۱۵- استغاثه به خداوند؛ بوسیله حضرات معصومین علیهم السلام؛ بویژه حضرت مولاعلی علیه السلام و آن معصوم علیه السلام (که قصد ارسال رقعه از طریق ضریح او را دارد)، و خاصة به حضرت فارس الحجاز اباصالح المهدی (منه السلام).
- ۱۶- انجام فریضه عشاء (شب جمعه) با تعقیبات.
- ۱۷- انجام نافله عشاء بدین نحو: در رکعت اول سوره فاتحة و سوره واقعة، و در رکعت دوم سوره حمد و سوره قل هوالله احد.
- ۱۸- اگر ناگزیر از خوابیدن در شب است، و احیای شب با نشاط برای او میسر نیست، پس برنامه خواب و بیدار شدنش به نحو زیر (۱۹ تا ۲۴) بوده و برای ثلث آخر شب برخیزد جهت بقیه اعمال، و در صورت تیسر احیای شب با نشاط و بی کسالت و بی سستی و بی خواب آلودگی، پس به مناجات و توجه و توسل و استغاثه خویش ادامه می دهد تا نیمه شب فرا برسد (۲۵ تا آخر).
- ۱۹- بعد نافله عشاء تا وقت خواب: اگر بنای خوابیدن دارد؛ بعد از نافله عشاء از سخن و گفتگو پرهیزد، و به ذکر و تسبیح هم مشغول نشود.
- ۲۰- ورود به بستر؛ و گفتن تسبیح حضرت زهراء علیها السلام (الله اکبر ۳۴ بار، سبحان الله ۳۳ بار، الحمد لله ۳۳ بار).
- ۲۱- خوه خوابیدن: بر پهلوی راست بخوابد در حالیکه یاد خدایی کند، تا اینکه خواب او را دریابد.

-۲۵- وقت بیدار شدن: نیمه شب یا ثلث آخر شب؛ برخواستن برای تهجد (نماز شب) و بقیه اعمال مربوط به رقعه استغاثه.

-۲۶- ذکر بیدار شدن: وقتی بیدار شود، خداوند را به تقدیس و تعظیم و آنچه داند یاد کند.

-۲۷- تحصیل وضوی شاداب.

-۲۸- آنکه توان احیاء شب دارد: مدت بعد عشاء تا نیمه شب را به تضرع و مناجات و توسل و توجه و استغاثه (به حضراتی که نام برده شد) می پردازد.

-۲۹- بجای آوردن تهجد شبانه بدین نحو: هشت رکعت نافله شب را پی در پی بجای آورد، در هر رکعت سوره فاتحة الكتاب و ۵۰ بار سوره قل هو الله احد، سپس دو رکعت بگذارد؛ در رکعت اول سوره حمد و سوره اعلی، و در رکعت دوم سوره حمد و سوره قل یا ایها الکافرون، پس وقتی از آنها فارغ شد، برخیزد و رکعت وتر را بجای آورد، و در آن حمد و قل هو الله احد بخواند، و به دعای وتر دعا کند و قنوت را با حالت خشوع و تضرع و نیازمندی طول دهد.

-۳۰- زمان نوشتن رقعه: اگر کسی است که توفیق انجام اعمال شب جمعه قبل نوشتن را دارد، پس در ثلث آخر شب جمعه و بعد از تهجد و اعمال مقدماتی نوشتن رقعه آنرا می نویسد، اما اگر کسی است که توفیق انجام اعمال شب جمعه قبل نوشتن را نداشته، پس در صبح جمعه بعد از طلوع آفتاب رقعه را می نویسد، و اگر مضطراً از فوریت است پس در ثلث آخر هر شب، یا بعد از طلوع آفتاب هر روز رقعه را می نویسد (و اگر بتواند ساعت نجومی را رعایت کند که در نوشتن و ارسال ساعت منحوس کواکب یومیه نباشد خوب است).

-۶۸- نوشتن نامه با سیاهه و یا رنگ پاک: مثل زعفران یا مداد یا مرکب طبیعی (نه جوهرهای صنعتی دارای الكل (خودکار و خودنویس و روان نویس های امروزی).

-۶۹- نوشتن رقعه در کاغذ یا پارچه سفید یا پوست (پاک و پاکیزه).

-۷۰- خود شخص صاحب حاجت؛ با انجام توسل و اعمال مربوطه؛ رقعه را بخط خود بنویسد، مگر در شرایطی:

۱) شرایط نوشتن رقعه برای دیگری:

الف: شخص صاحب حاجت از کتابت عاجز بود (مثل خلل یا نقص یا فقدان عضو نوشتن یا بیسوادی محض که حتی رونویسی نسخه مختصر هم نتواند، یا کودکی و ناتوانی).

ب: نوشتن رقعه تنها برای کسی که واقعاً معتقد است؛ سزاوار بوده، و از نوشتن برای غیرمعتقد (به تاثیر رقعه) اجتناب نماید.

در نسخه چهاردهم فرموده بودند که: {وزنہار که این رقعه را ننویسی؛ برای کسی که شایستگی آنرا ندارد، و این رقعه او را فایده ای ندهد. و این امر امانتی است در گردن تو، که بزودی در مورد آن بازخواست خواهی شد}. از این بیان استفاده می شود؛ که منع نیست در نوشتن رقعه؛ برای ناتوان از نوشتن؛ بشرطی که اهلیت رقعه نویسی را داشته باشد، اما نوشتن آن برای نااهل و غیر واجد شرایط؛ از مخذورات و منهیات است؛ که باید از آن پرهیز شود، و نااهل در این موضوع کسی است که اهل تردید و شک بوده یا در مقام آزمایش و تجربه باشد، و از صمیم قلب و از روی عقیده صحیح خواهان انجام این روش نباشد.

**ج:** انجام بقیه اعمال توسط خود شخص صاحب حاجت.

❖ البته اگر حاجت کسی برای دیگری نیز حاجت وی هم باشد بطوری که مشکل او به مانند مشکل خودش است، منعی برای نوشتن رقه جهت حواچ دیگران نیست، و در این صورت رقه برای حاجت خود نوشته است؛ ولننتیجه اجابت برای اصلاح امور دیگری باشد. و این امر به نحو تشریفاتی یا جعلی بآن نیت صوری محقق نمی شود، و امری است که براساس حال واقعی شخص نسبت به حاجت دیگری ملاحظه شود.

-**۳۱** متن رقه: می تواند یکی از نسخه های پانزده گانه را بکار برد، یا اینکه نسخه های مشابه را با هم تکمیل نموده و رقه کاملتری تهیه نماید، یا اینکه نسخه های مستقل و متعدد را نوشته و با هم بسته بندی و یکجا ارسال کند؛ همانطور که در نقل شیخ طوسی و کفعی و دیگر بزرگان آمده بود. ما در آخر نسخه ها؛ رقه های مشابه را تکمیل نموده و رقاع متعدد را به نام "رقه جامعه" یکجا می آوریم.

-**۳۲** اسماء مبارکه حضرات معصومین علیهم السلام را همه در یک سطر بنویسد.

-**۳۳** اعمال عرضه داشتن رقه به خداوند و مولای خود: پس چون فارغ شود از نماز و ترو نوشتن رقه، و در جایی باشد که خالی و او تنها باشد و کسی اورا نبیند (اگر بتواند)،

**الف:** برخیزد و بایستد

**ب:** و سر خود را بر هنه کند

**ج:** و با دست راست خود رقه ای که به خط خود نوشته بود را بالا برد؛ و با

دست چپ خود تکیه بر پشت و گرده خود نماید؛

**د:** و بگوید: (یا رب) بقدرتی که نفس قطع شود،

**ه:** و بگوید: (منک یا سیدی) به همان قدر،

**و:** و بگوید: (یا مولای) به همان مقدار،

**ز:** سپس بگوید: «هذا مقام العائد الضارع الذليل الخاشع، البائس الفقير، المسكين الحقير، المستكين المستجير، الذي لا يجد لكشف ما به غيرك، ولا يرجع فيما قد أحاط به إلى سواك، سيدني أنا من قد علمت، وفي ما عرفت، من ضعفي عن عبادتك، إلا ب توفيقك، و تقصيرني عن شكرك، إلا بعونك، أقر بذنبي في ذلك، وأعترف بجريمي، وأسائل الصفح عنني، فصل على محمد وآلها، وأبلغهم الساعة الساعة الساعة عنني أفضل التحية و السلام، و اقبلني بهم اللهم على ما كان مني، و ارحم ضعف ركني، و استجب دعائي برحمتك يا أرحم الراحمين».

**ح:** سپس بگرید یا به حالت گریان باشد،

**ط:** آنگاه از دعاء دست کشیده؛ در حالیکه نگاهش خاشع، و دستش به رقه بسوی آسمان بلند نموده باشد،

**ی:** و بر همین حال بماند تا اینکه فجر پدیدار شود (اگر طاقت بیاورد)،

**ک:** و اگر نتواند و ناتوان شود و صبرش بکاهد؛ پس سجده کند و صورتش را در خاک مالد،

**ل**: و در حالی که رویش بر زمین است؛ سبابه راستش را بالا نگهدارد، و پناه بجاید به پروردگار؛ و از او فریادرسی بخواهد.

**م**: و بگوید: «سیدی أوبقتنی الذنوب، و حيرتني الخطوب، و أحدق  
به الكروب، و انقطع رجائی في كشف ذلك إلا منك، و ثقتي لمن  
تنصرف عنك، إلهي و سیدی، فانظر بعين رأفتک إلی، و جُد بجودک  
و إحسانک علی و أجرني في ليلتي، و اقبل قصتي، و اقض حاجتي،  
و استجب دعوتي، و اكشف حيرتي، و أزل الفقر و الفاقة عنی، و  
أعذني من شماتة الأعداء، و درک الشقاء، و أعطني سؤلي و  
مسئلتی، بجودک و كرمک يا مولای، إنك قریب مجیب».

**ن**: آنگاه نیت کن؛ با نیت ریشه کن گننده عادت به خط؛ و روی آورنده به  
خداآوند؛ که ترک کنی گناه یا نقیصه ای را که الان به آن گرفتار هستی؛ پس  
همانا خداوند (عز و جل) کریمترین کسی است که خوانده و دعا می شود، و  
نزدیکترین اجابت کننده است.

-**۳۴**- معطر نمودن رقعه یا رقعه ها.

-**۳۵**- بسته بندی رقعه:

**الف**: بستن رقعه ها،

**ب**: مهر کردن بعد بستن،

**ج**: و نامه (خطاب به خداوند باری تعالی) را در میان نامه (خطاب به امام  
علیّیاً) قرار داده،

**ه:** و پیچیدن رقه ها بطوریکه بسته هر چه کوچکتر شده و در گلوله گلین جا شود.

**۳۶-** خواندن سوره یاسین بر بسته (رقعه) و یاد نمودن حاجات؛ قبل از ارسال.

**۳۷-** عبادت مرحله ارسال: دو رکعت نماز گزارده؛ و توجه به خداوند تعالی می کنی بواسطه محمد و آل محمد ﷺ.

**۳۸-** انتخاب راه ارسال: گذاردن رقه در ضرایح منوره، و یا انداختن آن به آب جاری یا بسیار، و یا دفن در زمین:

**الف:** طریق خاص برای ارسال رقه: گذاردن بر قبور معظمه معصومین ؑ و انداختن در ضرایح منوره از مشاهد مقدسه (برای آنکه دسترسی داشته و منعی از جهت تقویه نباشد).

**ب:** راه عام ارسال نامه: انداختن آن در آب جاری یا آب بسیار است، چه در دریا یا نهر آب تمیز یا چاه آب پاک یا قنات آب یا گودال بزرگ آب (غدیر).

**پ:** در صورتی که از طریق انداختن در آب؛ ارسال رقه می نماید، قبلش خمیری از گل پاک و پاکیزه بسازد، و گلوله کوچکی از خمیر ساخته و نامه ها را در میان آن گذارد.

**پ:** در هنگام انداختن به آب؛ آنرا به میان آب و عمیقترین موضع آن بیاندازد.

**ج:** روش اضطراری ارسال عریضه: و در صورت عدم دسترسی به آب (مثل زندانی)؛ آن را (برای ارسال) در زمین پاک دفن نماید و پنهان کند (سه نسخه در سه موضع).

❖ گذاردن رقعه در ضرایح منوره و یا انداختن آن به آب؛ را سپردن رقعه به وکیل ناحیه تصور و نیت نماید.

### -۳۹- شرایط ارسال:

**الف:** وقت ارسال رقعه: در وقت طلوع آفتاب روز جمعه یا هر روز.

**ب:** ارسال پنهانی (رقعه در مشاهد و یا به آب انداختن آن) انعام گیرد.

**ج:** در هنگام ارسال رقعه؛ رو به قبله باشد.

**د:** در هنگام ارسال رقعه؛ نام خدا را ببرد، و صلوات بر رسول الله و خاندان پاک او بفرستد، و بگوید: (الله لکل شيء) خداوند برای همه چیز است).

**ه:** در وقت ارسال؛ برای رساندن رقعه به حضور مولا صاحب الأمر علیه السلام به یکی از وكلاء و نواب و عمال ناحیه مقدسه (عجل الله تعالى فرجه الشریف) توسل جسته و ازا او استعانت واستمداد بنماید، مثل توسل و ذکر اسماء معروفین از گذشتگان، یا اجمال و اشاره کی به معاصرین و حاضرین ایشان؛ و درخواست برای رساندن نامه. پس اگر یکی از ایشان را صدازده بگوید: یا

(فلان بن فلان = نام سفير ناحیه) سلام عليك، أشهد أن وفاتك في سبيل الله، وأنك (x أنت) حي عند الله مرزوق، وقد خاطبتك في حياتك

التي لك عند الله عز وجل (x جل وعز)، وهذه رقعي و حاجتي إلى مولانا (x مولا ي) علیه السلام، فسلمها إليه، فأنت الثقة الأمين. ودرآنوقت

بگوید: یا (فلان بن فلان = نام سفير ناحیه)، أوصى قصّتي هذه إلى صاحب الرَّمَان علیه السلام.

٤٠- دعای بعد از ارسال: پس از به آب انداختن نامه ها، با این دعا، خدای را بخوان: ﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي لَحْظَتْ بِهَا الْبَحْرُ الْعِجَاجَ، فَأَرْبَدَ وَهَاجَ وَمَاجَ، وَكَانَ كَالْلَّيْلِ الدَّاجِ، طَوْعًا لِأَمْرِكَ، وَخَوْفًا مِنْ سَطْوَتِكَ، فَأَفْتَقَ أُجَاجُهُ، وَأَشْتَلَقَ مِنْهَا جُهُهُ، وَسَبَحَتْ جَزَائِرُهُ، وَقَدَّسْتْ جَوَاهِرُهُ، تُنْادِيكَ حِيتَانُهُ بِاخْتِلَافِ لُغَاتِهَا، إِلَهَنَا وَسَيِّدَنَا مَا الَّذِي نَرَأَلِ بِنَا، وَمَا الَّذِي حَلَّ بِبَحْرِنَا، فَقُلْتَ لَهَا: أُسْكُنِي، سَاسْكِنُكَ مَلِيًّا، وَأُجَاوِرُ بِكَ عَبْدًا رَكِيًّا، فَسَكَنَ وَسَبَحَ، وَوَعَدَ بِضَمَائِرِ الْمِنَجِ، فَلَمَّا نَرَلِ بِهِ ابْنُ مَتَّى، بِمَا أَلِمَ الظُّنُونَ، فَلَمَّا صَارَ فِيهَا، سَبَحَ فِي أَمْعَائِهَا، فَبَكَتِ الْجِبَالُ عَلَيْهِ تَلْهُفًا، وَأَشْفَقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ تَأْسُفًا، فَيُوْسُ في حُوتِهِ كَمُوسِي فِي تَابُوتِهِ لِأَمْرِكَ طَائِعٌ، وَلَوْجِهِكَ سَاجِدٌ خَاضِعٌ، فَلَمَّا أَحْبَبَتْ أَنْ تَقِيَّهُ، أَلْقَيْتَهُ بِشَاطِئِ الْبَحْرِ شَلْوًا، لَا تَنْظُرُ عَيْنَاهُ، وَلَا تَبْطِشُ يَدَاهُ، وَلَا تَرْكُضْ رِجْلَاهُ، وَأَنْبَتَ مِنَّهُ مِنْكَ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينِ، وَأَجْرَيْتَ لَهُ فُرَاتًا مِنْ مَعِينِ، فَلَمَّا اسْتَغْفَرَ وَتَابَ، خَرَقْتَ لَهُ إِلَى الْجَنَّةِ بَابًا، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ، (آنگاه حضرات أئمّة ملائکت‌الله را یک به یک نام ببرد) علی، الحسن، الحسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، الحسن، محمد» و بر یکایک ایشان سلام فرستد .<sup>٦</sup>

(٢٦) سلام دادن در نقل بخاراأنوار نیامده، اما در نقل محدث قمی در کتاب منتهی الآمال به نقل از تحفة الزائر علامه مجلسی ومفاتیح النجاة سبزواری آمده است.

❖ پس همانا می رسد آن بسته به حضرت سید (صاحب الأمر علیہ السلام)، و خود او متولی برآوردن حاجت تو می شود، و خداوند به کرمش امید تورانا امید نمی کند، و با انجام این عمل؛ اجابت الهی را حس کن و یقینی بدان. بفضل الله ورحمته الواسعة.

❖ آنچه در اینجا از شرایط و آداب و اعمال آورдیم؛ مجموع نکاتی است که در دستور العملهای وارده و مؤثره آمده بود، تا اهل معرفت را بر حسب توفیق و فرصت از آن بهره ببرند، در شرایط اضطرار، می توان مفهوم و ماهیت همه این موارد را با اعمال و الفاظ مختصره بجای آورد، و اللہ الموفق المعین.



# رقصه جامعه

در نسخه بعدی منتشر می شود ان شاء الله

برکات

رقعه استغاثه

به ناجیه مقدسه

در نسخه بعدی منتشر می شود ان شاء الله

پژوهشگده ها و آموزشگده های بنیاد حیات اعلی

علوم معرفت الٰی - علوم زبان و حٰی - علوم کلام و حٰی

علوم تلاوت کلام و حٰی - علوم کلام حازنان و حٰی - علوم فقه آئین الٰی

علوم تقویم نجوم تبحیم - علوم طب جامع - علوم پاکزیستی

آموزش برتر (اعلی) - علوم برتر (اعلی) - علوم توانمندی بانیروی الٰی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناصی - رسانه های حیات اعلی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

## دار المعارف الإلهیة

نسخه دوّم: جمادی الأولى ١٤٣٥

[tanjim@aelaa.net](mailto:tanjim@aelaa.net)

[www.Aelaa.net](http://www.Aelaa.net)

[nojum@aelaa.net](mailto:nojum@aelaa.net)

[taqwim@aelaa.net](mailto:taqwim@aelaa.net)

و الحمد لله رب العالمين